



## بانوان و تعاونها

از: محمدرضا ایروانی

پدیده تعاون به سبک سنتی از دیرباز در فرهنگ اجتماعی ملت ایران ریشه‌های عمیقی دارد و سهم زن در این نوع تعاون از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است بطور نمونه می‌توان به تعاون سنتی «شیرواره» و همچنین تهیه غذا و لباس در طول جنگ تحمیلی توسط زنان جهت رزمندگان اشاره کرد.

زنان طی قرون متمادی نقش اساسی و مهمی را در پیشرفت و توسعه جوامع برعهده داشته و در مراحل مختلف تاریخ به صورت‌های گوناگون این نقش را رقم زده‌اند.

به قول ویل دورانت: در اجتماعات ابتدایی قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده نه مردان.

در طول قرن‌های متمادی مردان دائماً با طریقه‌های کهن خود به شکار اشتغال داشتند، زن در اطراف خیمه‌ها زراعت را ترقی می‌داده و هزاران هنر خانگی را ایجاد می‌کرده که هر یک روزی پایه و اساس صنایع بسیار مهمی شده‌اند.

از اسناد و مدارک تاریخی برمی‌آید که زن همیشه با فعالیت‌های خارج از منزل مشغول بوده و دامنه این فعالیت‌ها روز به روز گسترده‌تر شده است. اما هیچ‌گاه این تلاش‌ها مجزا از کار مردان انعکاس نیافته و در نتیجه سهم عمده فعالیت زنان به علت نامعلوم بودن حدود آن

در برنامه‌ریزی‌های توسعه، لحاظ نگردیده است بعنوان مثال: تولید فرش اکثراً با دست زنان صورت می‌گیرد، لیکن در آمار و ارقام تجارت به نام مردان تمام می‌شود.

در ایران زمان هخامنشیان، زنان در جامعه و خانواده از تساوی حقوق برخوردار بوده‌اند و در کسب علم و حرفه مردان را بر زنان مزیتی نبوده و زنان در کلیه امور اجتماعی حضور داشته‌اند. متأسفانه در قرن هفتم و هشتم هجری که مصادف با هجوم اقوام مغول و تاتار به کشورمان می‌باشد به علت بروز ناامنی، زنان ایرانی ناگزیر به خانه‌ها پناه برده و از فعالیت‌های اجتماعی چشم پوشیدند و به اموری از قبیل ریسندگی نخ، تابیدن پشم، دوشیدن شیر و غیره پرداختند. از آن جا که پدیده تعاون به شکل کلاسیک و قانونی در کشور ما دارای سابقه‌ای کمتر از نیم قرن دارد و از طرفی سیاست‌گذاری‌های حکومت پهلوی در راستای وابستگی کشور به غرب خصوصاً آمریکا بوده، تاکنون توجهی جدی و زیربنایی در جهت ایجاد تشکلهای تعاونی زنان صورت نگرفته است.

جامعه‌ای که تصمیم دارد زنده و پایدار باشد باید از همه نیروهای موجود حداکثر استفاده را بنماید و زنان که نیمی از اجتماع بشری را تشکیل می‌دهند بایستی نقش مهمی در پیشرفت جامعه داشته باشند. درصد دختران و زنان شاغل در کشورمان به نسبت کل

جمعیت رقم ناچیزی را تشکیل می‌دهد. اگر بخواهیم به آینده زنان و جامعه به صورت عمیق و ریشه‌ای فکر کنیم باید برنامه‌ریزی صحیح و درستی برای قشر عظیم و مستعد زنان داشته باشیم.

با توجه به امکانات بسیار خوب کشورمان، به منظور اشتغال افراد بیکار و جویای کار در بخش‌های اقتصادی، لازم است که بخش زیادی از اوقات فراغت زنان با برنامه‌ریزی‌های جامع و دوراندیشانه و صحیح پر شود.

مزایای اشتغال بانوان: به طور کلی اشتغال زنان دارای سه امتیاز اساسی می‌باشد:

### ۱- کنترل باروری و جلوگیری از رشد جمعیت:

الف: مادران شاغل با توجه به تقسیمات اوقات روزانه خود بین کار در منزل و خارج از منزل فرصت کمتری نسبت به بانوان خانه‌دار جهت پرداختن به اموری از قبیل بچه‌داری و خانه‌داری پیدا خواهند نمود. در نتیجه میل و رغبت بسیار کمتری به باروری دارند و این امر باعث کنترل جمعیت می‌گردد.

ب: هر چه قدر میزان باروری کمتر باشد برعکس میزان سواد و کسب دانش بالاتر است.

### ۲- از دیگر مزایای اشتغال بانوان مساله سربرای نبودن آنان است.

طبق آمار سال ۱۳۶۵ مرکز آمار ایران تنها ۹٪ از جمعیت شاغل در گروه‌های عمده شغلی زنان می‌باشند که این عامل باعث کمبود درآمد خانواده‌ها در سال‌های اخیر است.

### ۳- کنترل رشد جمعیت:

زنی که درآمد مالی ندارد، زنی که قوانین و سنتها ضد او عمل می‌کنند، زنی که شوهرش او را نه به عنوان یک دوست و شریک زندگی می‌داند بلکه نسبت به او یک حاکم مستبد است، چنین زنی فقط در پناه فرزندان پناه می‌جوید و هر چه قدر تعداد فرزندان یک زن در چنین شرایطی بیشتر باشد امنیت و

موقعیت او را در جامعه و خانواده بهبود می‌بخشد. پس در چنین جامعه‌ای برنامه کنترل جمعیت موفق نخواهد بود. نمونه این مطلب کشور هندوستان است که به علت شرایط فوق‌العاده تبعیض آمیز زنان، در برنامه کنترل جمعیت ناموفق می‌باشد که بعد از چین مقام دوم جهان را داراست.

بدون شک کنترل جمعیت از شروط اساسی رشد و توسعه است. یعنی به ازای هر ۱٪ کاهش در رشد جمعیت ۳٪ افزایش درآمد ناخالص ملی را شاهدیم.

تحولات اقتصادی و اجتماعی کشورها در سالهای اخیر اهمیت حضور فعالانه زنان را در راه پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی طلب می‌کند.

طبق آمار، جمعیت زنان کشورمان در سال ۱۳۶۵، ۲۴ میلیون نفر بوده است. یکی از مهمترین ویژگیهای جمعیتی کشور ما در سالهای اخیر، جوانی جمعیت زنان است. ۴۵/۵٪ زنان سنی کمتر از ۱۵ سال دارند و میان سنی زنان ۱۷ سال می‌باشد. از بین هر ۳ نفر زن ۱ نفر کمتر از ۹ سال سن دارد. این نیروی جوان قدرت و استعداد پذیرش بسیاری از تخصصهای شغلی را دارد.

### میزان اشتغال زنان در کشورهای صنعتی:

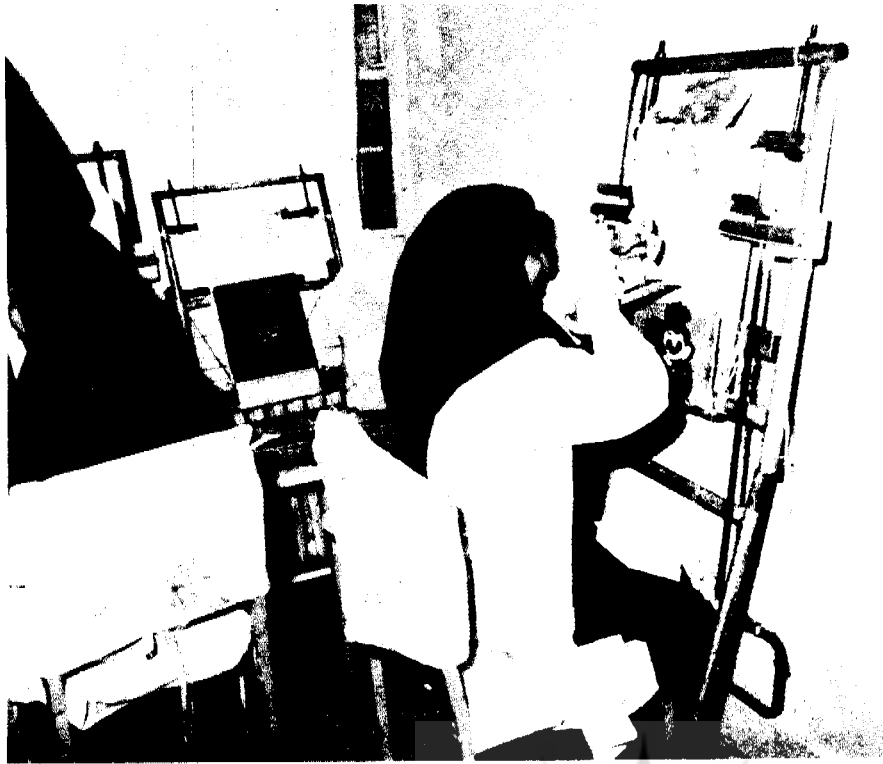
دانمارک: ۴۰٪ زنان و ۶۰٪ مردان

فرانسه: ۳۷٪ زنان و ۵۱٪ مردان

ترکیه: ۳۰٪ زنان و ۵۰٪ مردان

### بیکاری پنهان در کشورهای در حال توسعه:

بیکاری، از جمله مسائل پیچیده و بغرنج کشورهای رو به رشد مولود افزایش سریع جمعیت است. ساختار کشاورزی به صورت سنتی و کهنه است. برای بهره‌برداری از ۲ هکتار زمین ۶ نفر ظاهراً به کار اشتغال دارند ولی ۴ نفر از آنها اضافی هستند. در نتیجه بیکاری آشکار شده و مهاجرت بطور چشمگیری صورت می‌گیرد.



### اشتغال زنان در کشورهای جهان سوم:

امروزه به حق، زنان در مرکز توجهات جهانی قرار گرفته‌اند. زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. ولی در حقیقت ۳ میلیارد نفر جمعیت زن در جهان فقط به منابع مالی را در اختیار دارد. زنان بیشتر از مردان کار می‌کنند اما همیشه کارشان بر جامعه پوشیده است.

بسیاری از زنان به خصوص در جهان سوم در واقع سه نوبت در شبانه‌روز کار می‌کنند اما در مقابل این کار سخت از مراقبت بهداشتی کمتر، غذای کمتر، سواد کمتر، مزد کمتر و حق و حقوق کمتری برخوردار هستند.

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، زنان به طور متوسط ۱۲ الی ۱۸ ساعت و مردان ۸ الی ۱۲ ساعت در روز کار می‌کنند.

### مقایسه اشتغال زنان کشورمان با کشورهای اروپایی:

۱- علت گرایش زنان کشورهای اروپایی به اشتغال بُعد اقتصادی آن است. مسئولیت اداره خانواده از نظر اقتصادی به عهده مردان

است و زنان مکمل اقتصاد خانواده‌ها می‌باشند. در نتیجه زنان حاضرند با حداقل دستمزد کار کنند.

۲- به علت فرهنگ پدرسالاری زنان تمایل به دستورات امرانه دارند و فرمانبردار ترند.

اگر دلایل پایین بودن تعداد شاغلین زن در ایران را بخواهیم بررسی کنیم سه عامل مهم را باید مورد تجدید نظر قرار دهیم:

۱- بینش انحرافی مدیران دولتی نسبت به توانمندیهای نهفته درون زنان.

۲- متاسفانه آموزشهای رایج در کشورمان عمدتاً نظری است که از غرب وارد شده است و منطبق با نیازهای درونی زنان نیست.

۳- فرهنگ عمومی مردم ایران این است که ترجیح می‌دهند زنان در خانه بمانند، که این موضوع در اذهان زنان به عنوان یک فرهنگ صورت واقعی به خود گرفته است.

امروزه یکی از موفق‌ترین شکل‌های تعاونی به منظور اشتغال بانوان تعاونیهای فرش است. طبق آمار مرکز آمار ایران، در حال حاضر بیش از ۸ میلیون نفر از جمعیت کشور

درصد توزیع اشتغال زنان در چند کشور آسیایی»

میانگین	مالزی	ژاپن	پاکستان	بنگلادش	ایران	هند
مشاغل علمی و تخصصی	۲/۶	۱۲/۱	۱۸/۳	۳/۳	۳۲/۵	۳۲/۵
مدیران و کارمندان عالی رتبه اداری	۰/۳	۱/۰	۲/۷	۰/۱	۰/۲	۰/۲
کارکنان امور دفتری و اداری	۹/۹	۳۳/۳	۲/۹	۲/۳	۲/۸	۲/۸
کارکنان امور بازرگانی و فروشندگان	۶/۳	۱۲/۷	۲/۲	۲/۲	۱/۲	۱/۲
کارکنان امور خدماتی	۸	۱۱/۵	۱۰/۲	۳۸/۳	۳/۳	۳/۳
کشاورزان و دامداران	۲۱/۳	۰/۶	۱۶/۶	۱۱	۲۶/۲	۲۶/۲
کارگران مشاغل تولیدی	۱۵/۵	۲۶/۸	۶/۲	۲۶/۳	۳۲/۵	۳۲/۵
کارکنان مشاغل طبقه بندی نشده اظهار نشده	۱۱	-	۲۰/۲	۱۳/۲	۵/۸	۵/۸

بررسی این جدول پی می‌بریم که زنان روستایی بالاترین نسبت اشتغال را دارند. به عبارتی به طور مثال در کشور ایران، زنان مناطق شهری ۲۹/۱ درصد و زنان مناطق روستایی ۲/۶ درصد فاقد اشتغال هستند. در واقع از هر یک صد نفر زن روستایی

۹۷/۴ درصد شاغل می‌باشند. این مقایسه در مورد پنج کشور: اندونزی، بنگلادش، پاکستان، مالزی، هندوستان، نیز نتیجه‌گیری مشابه را در بر دارد.

درواقع در اکثر کشورها حضور زنان روستایی در جامعه اشتغال نسبت به زنان شهری بیشتر می‌باشد که این افزایش به ساخت جامعه خود اشتغالی روستا که منتج از نیاز به کار گروهی است، مربوط می‌گردد.

درواقع همکاری و تعاون، انعکاسی از آوای نیاز جمعی است، به عبارت دیگر چون هر کنشی را واکنشی است، تعاون عقلایی‌ترین واکنش جمعی است و توانایی مردم در تامین نیازهای جمعی قسمتی از رشد جوامع را در سطوح مختلف آن دربر دارد. با ذکر این حقیقت که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد زمینه‌های اقتصادی اجتماعی جوامع دارند ولی نقشهای ایفا شده توسط آنان در جایگاه و سطوح اجتماعی جدی گرفت نشده است. به طور مثال نقش زنان روستایی در حیات خانوار روستایی و در نهایت کمک بر توسعه اقتصاد بر همه جهانبان کاملاً روشن است.

وجود نیروهای انسانی فراوان می‌باشد، بنابراین ایجاد زمینه‌های مساعد اشتغال روستایی و خود اشتغال شهری در این گونه کشورها افزایش تولید را دربر دارد. آمار موجود در جدول «درصد توزیع اشتغال زنان» گویای نقش فعال زنان در سایر کشورها نیز می‌باشد:

همانگونه که مشاهده می‌شود سهم اشتغال زنان در بخش کشاورزی ایران نسبت به چهار کشور دیگر در مرتبه دوم قرار دارد به عبارتی بعد از کشور مالزی که ۴۱/۳ درصد از زنان شاغل را کشاورزان تشکیل می‌دهند زنان روستایی ایران ۲۶/۷ درصد از کل شاغلان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین آمار زنان شاغل در مشاغل تولیدی ایران در مرتبه سوم قرار دارد. بنابراین اهمیت، توجه به این گروه‌های شغلی می‌تواند از مهمترین برنامه‌ها باشد.

«جدول میزان درصد عدم اشتغال در جوامع شهری و روستایی ۶ کشور»

	شهری		روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن
ایران	۲۹/۱	۱۳/۶	۲/۶	۱۲
اندونزی	۵/۳	۵/۶۲	۱/۱۵	۱/۲۱
بنگلادش	۲/۶	۱/۵	۳/۲	۰/۷
پاکستان	۳/۱	۲/۷	۰/۵	۲/۹
مالزی	۲/۱	۵/۲	۲/۵	۴/۵
هندوستان	۸/۷۷	۶/۰۷	۳/۵۲	۲/۸۲

جدول فوق نمایانگر درصد عدم اشتغال زنان و مردان در ۶ کشور منتخب می‌باشد با

به صورت تمام وقت، نیمه وقت و پاره وقت در بخش صنایع دستی مشغول به فعالیت می‌باشند که از این رقم  $\frac{۳}{۴}$  به تولید فرش و  $\frac{۱}{۴}$  به ساخت صنایع دستی دیگر مشغولند. در حال حاضر بیش از ۲۰٪ جمعیت کل کشور از طریق تولید، توزیع و بازرگانی فرش امرار معاش می‌کنند.

به طور قاطع می‌توان گفت زندگی ۱۰ میلیون نفر مستقیماً به صنعت فرش کشور مربوط است.

سهم صادرات غیر نفتی (فرش) در سال ۱۳۵۸ حدود ۵۰٪ بود که در سال ۱۳۶۱ به ۲۳٪ کاهش یافت در سال ۱۳۶۷ میزان سهم فرش در صادرات ۳۰٪ برآورد گردیده است. در سال ۱۳۷۰ میزان سهم فرش در صادرات ۴۷٪ کل صادرات کالاهای غیر نفتی و به ارزش ۱/۲ میلیارد دلار بوده است.

«تعاون، زن و اشتغال»

پس اگر ارزش مشارکت و فعالیتهای اقتصادی زنان را در بخشهای مختلف با معیارهای مادی محاسبه کنیم باید بگویم که یکی از شاخصهای اصلی تعیین توسعه یافتگی کشورها میزان بالای اشتغال آنهاست ولی تاکنون استنباط صحیحی از مفهوم اشتغال به عمل نیامده است. چنانکه وقتی بحث از اشتغال زنان به میان می‌آید آماری از تعداد زنان اداری شهری در اذهان متصور می‌گردد در حالی که اگر موضوع در گستره وسیعتری ارزیابی شود بالاترین میزان اشتغال، به زنان روستایی و خود اشتغالی شهری اختصاص دارد.

زنانی که در مزارع به کار کشاورزی و در منزل به شغل قالیبافی و سایر کارهای صنایع دستی اشتغال دارند حاصل کار انجام شده آنان در آمارهای موجود به تفکیک احتساب نشده است. از آنجا که در مقایسه با سایر بخشهای اشتغال، اشتغال جامعه روستایی و خوداشتغالی شهری صددرصد مولد است. و با توجه به اینکه یکی از شاخصهای محالک جهان سوم پایین بودن سطح تکنولوژی و

ایجاد شرایط مساعد و تسهیلات لازم، از جمله تامین منابع اعتباری جهت تخصیص به پروژه‌های توسعه فعالیت زنان در روستاها و شهرها زمینه‌های رشد سریع آنان را فراهم می‌سازد، در این میان تاثیر ایجاد و افزایش تشکلهای مردمی به عبارتی تعاونیهای خاص زنان را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا اساس تشکیل هر تعاونی، ریشه در نیاز گروهی دارد. به عبارت دیگر چون حوائج زنان شهری و روستایی به تفکیک درون گروهی همگن بوده زمینه‌های ایجاد و گسترش تعاونیهای خاص آنها مهیا می‌باشد. چنان که در برخی از کشورها در این زمینه پیشرفتهایی نیز حاصل شده است.

### موانع مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی در ایران

با این که نقش و حضور زنان در طول تاریخ در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی جامعه بر کسی پوشیده نیست اما همیشه در طول دورانهای مختلف این نقش و حضور حالتی کم رنگ داشته و در بسیاری از فعالیتها همیشه یک سری موانع و تنگناهایی وجود داشته است. برای پاسخگویی به اینکه ریشه و علل این فراز و نشیبها در مشارکت و اشتغال زنان در جامعه حال و گذشته چه بوده است و چه عواملی در این عدم حضور و مشارکت نقشی عمده و اساسی داشته‌اند، دلایل و براهین متعددی وجود دارد. به طور کلی موانع مشارکت زنان در فعالیتهای تعاونی به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- موانع اقتصادی ۲- موانع اجتماعی ۳-
- موانع سیاسی ۴- موانع فرهنگی ۵- موانع حقوقی، قانونی ۶- موانع بیولوژیکی

#### ۱- موانع اقتصادی:

امروزه میزان مشارکت و اشتغال، یکی از شاخصهای نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی به حساب می‌آید. میزان و نحوه مشارکت اقشار مختلف در فعالیتهای اقتصادی تعیین کننده یکی از شاخصها و عوامل توسعه

است. با این که ضرورت و الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت جوامع بشری مطرح بوده، لکن هنوز در کشور مابین زنان و مردان تعاونی مطلوب و قابل قبول در این زمینه ایجاد نشده است.

رکود اقتصادی سالهای انقلاب و جنگ تغییراتی را در کل سیستم اقتصادی کشور به وجود آورد که موجب درگرگونیهایی در بازار گردید. این رکود و تغییرات، امکان تولید صنعتی و اشتغال مواد را با محدودیتهایی رو به رو ساخت و به تبع آن اشتغال زنان نیز در مجموع دچار تغییرات کمی و کیفی شد و بسیاری از فعالیتهای و بخش عظیمی از سرمایه‌گذارها را جهت پیشرفت اهداف دفاعی سوق داد. از طرفی عرف جامعه شغلهای محدودی را برای زنان ایجاد و تشویق می‌کند. از کل زنان شاغل ۲۵٪ درصد معلم و مدرس، ۲۳/۵٪ بهره‌بردار کشاورزی، ۲۸٪ بافنده فرش دستباف ۲۳/۵٪ دیگر در بقیه گروههای شغلی پراکنده‌اند.

#### از جمله موانع اقتصادی:

- ۱- بالا بودن هزینه نیروی کار زنان برای کارفرمایان؛ بالا بودن میزان باروری در کشورهای جهان سوم و افزایش میزان مرخصی زایمان از یک طرف و جایگزینی نیروی کار دیگر هنگام مرخصی زایمان و



پرداخت مزد او در دوران مرخصی زایمان از طرف دیگر از جمله دلایلی است که باعث گردیده زنان در مقابل مردان کمتر به کار گرفته شوند.

#### ۲- صاحب سرمایه نبودن زنان:

لحاظ قواعد و عرف حاکم بر بسیاری از کشورها از جمله ایران مانع از حضور زن در فعالیتهای اقتصادی شده است.

#### موانع اجتماعی مشارکت زنان:

##### ۱- بی‌سوادی و پایین بودن سطح

سواد: آموزش یکی از زمینه‌های زیربنایی تقویت آگاهی فرد است، یکی از ابعاد مهم آموزش این است که استعدادها و اندیشه‌های افراد را بارور می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنانی که تا حدی از آموزش ابتدایی برخوردار هستند مدیران توانمندی برای اداره منابع خانه‌داری بوده و در زمینه فعالیتهای مربوط به تندرستی، بهداشت، تغذیه، تعلیم و تربیت، موجبات بهزیستی خانواده را فراهم می‌آورند. محروم بودن زنان از آموزش آگاهی او را ضعیف کرده و وابستگی او را به مرد و ماندن وی را در نقشهای خانه‌داری تشدید می‌نماید. مشاغل زنان اغلب غیرتخصصی و ساده است به همین دلیل نقش آنها در برنامه‌ریزی ضعیف است.

##### ۲- معرفی زن به عنوان یک موجود

خانه‌نشین در کتب آموزشی: کتابهای درسی دوره ابتدایی ۸۹/۷٪ مخارج خارج از منزل را به مردان و ۱۰/۳٪ را به زنان اختصاص داده است و در کتابهای درسی دوره راهنمایی مشاغلی از قبیل کودکیاری، خانه‌داری، دایگی، به صورت مشخص به زنان نسبت داده شده است.

##### ۳- نمودن زن در سینما و نمایشها:

یکی دیگر از جنبه‌های تبعیض در نقش زنان و معرفی چهره‌ها و الگوهای زنان، سینما، تئاتر، و هنرهای نمایشی است. روند سینما و فیلم در

بسیاری از کشورها از جمله در کشور ما مبین این مطلب است که نقش زنان همواره در چنین مواردی محدود در قالبهای کلیشه‌ای است. زن در سینما شخصیت و هدیت اصلی خود را به معنای واقعی دارا نوده و به طور احسن منزلت اجتماعی‌اش حفظ شده است. علاوه بر آن زن در زندگی روی پرده همواره متهم به خواری و زدلت بوده و همواره شخصیتی تحت تاثیر عوامل گوناگون و به خصوص شخصیت مرد دارد. مشاغل زنان بیشتر از سایر زمینه‌ها معلمی و پرستاری است.

### آداب و سنن اجتماعی بعضی از جوامع:

این گونه است که دختران از همان اوایل کودکی یاد می‌گیرند که باید موجودی خموش، گوشه‌گیر، ازوطلب و کمرو باشند. همچنین در فرایند جامعه‌پذیری به زن تلقین می‌شود که اموری از قبیل خانه‌داری، تربیت کودکان، یادگیری مهارت‌های خانگی از قبیل خیاطی، گلدوزی، آشپزی، بچه‌داری را در اولویت مشاغل قرار دهد. زیرا یادگیری این مهارت‌ها ضامن موفقیت او در زندگی زناشویی آینده است.

**ازدواج زنان در سنین پایین:** از جمله موانع مهم در زمینه اشتغال آنان می‌باشد. ازدواج زودرس، باروری زیاد و افزایش تعداد فرزندان را موجب می‌شود. حتی زیادی تعداد فرزندان موجب دست کشیدن زنان شاغل از کارشان می‌شود.

### موانع فرهنگی مشارکت زنان:

**۱- تنگناها و محدودیت‌های فرهنگی، سنتی:** گفته می‌شود که زنان باید در خانه بمانند و امورات مربوط به خانه را دنبال کنند.

### موانع سیاسی مشارکت زنان:

متأسفانه قبل از انقلاب اسلامی زن از یک جایگاه نامناسب سیاسی برخوردار بوده است. به طوری که در بند ۱۰ قانون مشروطیت زن در زمره مردان مجرم و دیوانه طبقه‌بندی شده

است که این قشر از داشتن حق رای محروم بوده‌اند گرچه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی زن دارای جایگاهی با ارزش شده است. کما اینکه در مقایسه تعداد نمایندگان زن در مجلس اول تا مجلس پنجم دارای رشد چشمگیری باشد. لکن در پست‌های مختلف کلیدی وزارتخانه‌ها به ندرت نقش و مدیریت و پست مهمی به زنان واگذار شده است.

### موانع بیولوژیکی مشارکت زنان:

**جمع‌بندی و نتیجه:** در جامعه ما علیرغم تاکید بر اشتغال زنان و جلب مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی. اجتماعی جامعه، هنوز در ارتباط با تحقق این امر موانع و تنگناهای ساختاری وجود دارد.

**موانع و تنگناهایی که گرچه شاید رنگ روی قانون و مقررات مدون را در خود نگرفته، لیکن در عمل همواره به عنوان سد راه زنان رخ نموده و جامعه عمل به خود می‌پوشاند.** میزان مشارکت و فعالیت زنان در طول تاریخ حاکی از نمود و فعالیت پاره‌ای از زنان این مرز و بوم است که توانسته‌اند با این روند به مقابله برخیزند و با نشان دادن استعداد و توانایی قابل ملاحظه خود تحولی بس عظیم در جامعه ایجاد کنند. زنان جامعه ما خصوصاً در برنامه‌ریزیهای فعلی که از طرف دولتمردان جمهوری اسلامی صورت گرفته باید در خود این باور را احیا نمایند که پیشرفت و توسعه جامعه نیاز به مشارکت و حضور فعال آنان دارد و نشان دهند که می‌توانند همپای مردان در بسیاری از امور، مدیریت‌ها، پست‌های کلیدی و تصمیم‌گیرها نقش موثری را ایفا نمایند. راه‌اندازی کمیسیون امور بانوان در مجلس متعاقب تاکید مقام معظم‌رهبری در خصوص لحاظ حمایت از زن و خانواده در تشکیلات قوه قضاییه بوده است.

### پیشنهادها:

۱- تجدید نظر دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان در بینش مبتنی بر عدم به کارگیری

زنان در مشاغل مختلف.

۲- با توجه به رسالت آموزش و پرورش، تشریح جایگاه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی زنان در کتب درسی.

۳- پیش‌بینی شغل‌های متعدد در ابعاد مختلف جهت زنان و دختران جامعه.

۴- نقش بسیار با اهمیت وسایل ارتباط جمعی در ارائه الگوهای مناسب برای زنان و مشارکت آنها در ابعاد مختلف.

۵- گسترش طرح‌های خود اشتغالی زنان در جامعه و اجرای قانون کار نیمه‌وقت بانوان.

۶- ایجاد تشکلهای مناسب زنان در سطح جامعه که هم قانون‌مند باشند و هم پشتوانه اجرایی داشته باشند.

۷- ایجاد کانونهای لازم جهت آموزش فنی، حرفه‌ای زنان و ارتقاء سطح مهارت و دانش فنی آنها.

۸- گسترش فرهنگ تعاون، گسترش تعاونیهای مخصوص زنان، تخصیص اعتبارات ویژه حمایتی به تعاونیهای زنان.

بنابراین برنامه ریزی صحیح جهت شناسایی عوامل افزایش اشتغال زنان در روستاها و شهرها از اهمیت خاصی برخوردار است که به عوامل مهم آن اشاره می‌شود:

۱- ایجاد آگاهی در زنان و آشنا ساختن آنان به نقش حساسی که در جامعه دارند. البته این آگاهی فقط از طریق آموزش صحیح امکان‌پذیر است و این آموزش می‌باید از طریق سمعی و بصری تعلیم داده شود و با به کارگیری تکنولوژی از طریق رادیو و به خصوص تلویزیون و با پخش برنامه‌های فعالیتهای خود اشتغال شهری و کشاورزی زنان در سایر کشورها آموزشهای لازم داده شود و علاوه بر آموزشهای موردنظر، آموزشهای مهم جنبی دیگری از قبیل سوادآموزی و سیاستهای تنظیم خانواده، آثار اجتماعی و اقتصادی آن بر خانواده و در نهایت تاثیرپذیری این شاخصها در برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور تفهیم شود.

۲- کمک به ایجاد و گسترش تعاونیهای



# ساختار سنتی، اجتماعی و توسعه تعاونی بازاریاب در تانزانیا

به قلم: وارن ج. راث

ترجمه: مرجانه سلطانی

یافته‌های مورد استفاده در این مقاله در جریان کار مردم 'سوکوما' تانزانیا بر روی زمینهای زراعی جمع‌آوری شده است. تانزانیا، پس از کسب استقلال، مراحل اصلی حرکت بسوی اصلاح ساختار اقتصادی و برخی آرمانها را آغاز نمود. این مقاله دربارهٔ تشکیلاتی بنیادین در راه توسعه یعنی تعاونی بازاریاب پنبه است. پس از ذکر مختصری از نحوه تشکیل و رشد تعاونی، در ادامه به بررسی ارتباط بین این سازمان نوین اقتصادی و فرهنگ سنتی مردم 'سوکوما' خواهیم پرداخت:

**موفقیت بنیادین و ریشه‌ای در توسعه اقتصادی همواره مستلزم چیزی بیش از هماهنگی بین ساختار سنتی اجتماعی و نوآوری است. اگر کلیدی برای یک چنین موفقیتی وجود داشته باشد، آن را باید در اتحاد دو عنصر سازگاری فرهنگی و کار آگاهانه، پویا و بدیع دانست.**

## تعاونی بازاریاب پنبه

دهها سال قبل یعنی از اوایل سال ۱۸۸۵ پنبه در تانگانیکای<sup>۲</sup> تانزانیا کشت می‌شد و به دلیل مشکلات حمل و نقل این محصول، اولین مناطق زیرکشت در نزدیکی سواحل انتخاب شد، اما با آغاز سال ۱۹۲۵ مرکز تولید پنبه از بخش شرقی کشور به لیک پرونس<sup>۳</sup> که در خشکی و دقیقاً در جنوب جزیرهٔ ویکتوریا واقع شده است، تغییر مکان داد. جزیرهٔ ویکتوریا موطن و مأمن مردم نژاد سوکوما است. سوکوما بزرگترین گروه قومی در تانگانیکا و دومین گروه قومی در آفریقای شرقی بشمار می‌رود.

در سال ۱۹۲۵، در حالیکه تانگانیکا تحت سلطهٔ بریتانیا بود، تولید محصول پنبه به رقم ۱۷۵۰۰ عدل در کل کشور رسید. با برافروخته شدن آتش جنگ جهانی دوم، میزان تقاضای موادخام از آفریقا افزایش یافت و با شروع سال ۱۹۴۵، لیک پرونس به تنهایی تولید بیش از ۳۱۰۰۰ عدل پنبه را بعهده گرفت. انگیزه واقعی رشد تولید پنبه به دنبال تشکیل و توسعهٔ تعاونیهای

بازاریاب پنبه ایجاد شد. در زمان انجام این تحقیق و آمارهای منتشره از سوی هیئت بازاریاب تقالهٔ پنبه و پنبه دانه، نشانگر تولید ۵۶۸ و ۱۵۵ عدل پنبهٔ تصفیه شده بود. این افزایش چشمگیر تولید حرکتی بود از سوی مردم تانگانیکا در جهت استقلال. چنین حرکتی را می‌توان فدیون تلاشهای گروه کوچکی از مردان جوان سوکوما دانست. رهبر این گروه یک سرباز بازمانده از جنگ جهانی دوم بنام پل بمانی<sup>۴</sup> بود که طبق آداب و سنن، کشاورزان سوکومایی را به خودیاری تشویق می‌نمود. طی این سالها، حکومت استعمارگر بریتانیا نه تنها کمکی به پاکرفتن ساختار تعاونی و توسعهٔ آن نمی‌نمود، بلکه با عمال و کارگزاران دولت که از انشعاب سیاسی این تشکیلات رو به رشد در هراس بودند، تا جایی که توانست موانعی را ایجاد کرد.

بر این قیاس، وضعیت پنبه‌کاران 'سوکوما' در اواخر دههٔ ۱۹۴۰ چیزی کم از کارکردن در شرایط استثماری نداشت. آنان در بیشتر موارد بیسواد و عامی، دارای زندگی ساده و مختصر و ناپسامان

بودند و به تولید محصولی اشتغال داشتند که در شکل خام خود تقریباً برای آنان بی‌استفاده بود و از سوی دیگر خود شخصاً امکان ذخیره‌سازی آن و هیچگونه وسایل حمل و نقلی جز شانه‌های خود و سایر خانواده‌های دور و نزدیک در اختیار نداشتند.

این وضعیت نامساعد به دلیل وجود سیستمی که قانون نیز از آن حمایت می‌کرد وخیم‌تر می‌شد اما در مقابل، این سیستم با اعطای امتیاز به فرایندگر پنبه در هر منطقه مربوط به خود، به نفع آنان عمل می‌کرد. به عنوان نمونه می‌توان از قانون سال ۱۹۴۹ یاد کرد که با شکل دادن به گمرک کنونی، ماده قوانینی را مدون نمود که خرید پنبه از طریق عاملین تصفیهٔ پنبه را به خرید کل پنبه در محدودهٔ مشخصی منحصر می‌نمود، و بدین نحو انتقال پنبه بین مناطق مختلف ممنوع بود.

این امتیاز انحصاری در مقام فرض، شیوه‌ای کارآمد برای فرایندگر پنبه به شمار می‌رفت تا مشکلات بازار پنبه را مرتفع نماید. پنبه پساکنی از نظر



سرمایه‌گذاری، سرمایه‌هنگفتی را می‌طلبید و محصول تولید شده به دست کشاورزان سوکوما به همان میزان ناپایداری قیمت‌های پنبه در بازار جهانی، غیرقابل پیش‌بینی بود. از اینرو به دلیل وجود پاره‌ای حمایت‌های قانونی، وضعیت فرایندگر پنبه تثبیت شده بود اما در عین حال، خود بطور غیرمستقیم به تأسیس تعاونی کمک می‌کرد که سرانجام به حذف خود او از صحنه تجاری می‌انجامید. بازاریابی محصول پنبه برای کشتکاران، در سالهای قبل از حیات تعاونیها کاری شاق محسوب می‌شد چرا که بین او و خریدار همواره رقابتی وجود داشت. خریدار به نمایندگی از طرف تصفیه گر پنبه، نرخ ثابت ۱/۶۰ شیلینگ را برای هر یکصد پوند پنبه دانه خریداری شده، دریافت می‌نمود. از آنجا که قیمت پرداختی به کشتکار پنبه همواره بصورت نقدی و مطابق با قوانین دولتی تعیین می‌شد، خریدار می‌توانست با تمسک به حيله و تقلب در توزین، مقادیری از پنبه را نزد خود نگاهدارد. برخی خریداران در فصول پروتق محصول، تا یک میلیون پوند پنبه دانه را خریداری کرده و در نتیجه میزان درآمد غیرمجاز آنان مبلغی قابل توجه می‌شد. هرگاه کشاورزان از این وضع شکایت می‌کردند، خریدار یا ادعای آنان را بی‌اساس می‌دانست یا باموکول نمودن کار خود به روز بعد، کشاورز یا افرادی را که درصدد فروش محصول خود بودند تنبیه می‌کرد. همین مسئله شخص شاکسی و سایرین را مجبور به گذراندن یک شب در خارج از محل سکونت خود می‌نمود چرا که رسیدن به خانه مستلزم پیمودن مسافتی طولانی و با دشواری همراه بود. البته نیازی به ذکر این مطلب نیست که فشار اجتماعی نیز باری افزون بر دوش فرد شاکسی بود.

در سال ۱۹۴۷، پل یمانی در موازات<sup>۵</sup> که یکی از بزرگترین شهرهای سوکوما بود،

شغلی برای خود دست و پا کرد و با مشکلات کشتکاران پنبه آشنا شد. او به وجود انجمن سنتی مردان جوان باسومبا<sup>۶</sup> پی برد که با تهیه وسایل توزین، بطور مستقل و پیش از مراجعه کشاورزان به خریداران، مبلغ دریافتی آنان را تعیین می‌کردند. بمانی وسیله‌ای شد برای پخش خبر گروه باسومبا و ظرف مدتی کوتاه، ده دهکده نمایندگانی را برای ملاقات با وی و تحقیق در مورد احتمال تشکیل سازمانی برای حفظ منابع خود گسیل داشتند. به دنبال این قضایا، نزاعهایی درگرفت که در آن خریداران تلاش می‌نمودند با هرگونه اقدام بازدارنده از فعالیتهای غیرمجاز خود مقابله کنند. در این زمان، بمانی به این حقیقت پی برد که کار مهمی نمی‌توان انجام داد مگر آنکه مرحله خرید پنبه زیر نظر خود پنبه‌کاران انجام شود. پی بردن به این نکته بمانی و گروه کوچکی از مردم سوکوما را به سیری در وضعیت تعاونیهای بازاریاب پنبه رهنمون شد که پیش از آن زمان در اوگاندا به فعالیت مشغول بودند. آنان با کسب تجربه به زادبوم خود بازگشتند و

اولین سنگ بنای تعاونی را کار گذاشتند. از اوایل سال ۱۹۵۲، بمانی و پیروان او به برگزاری جلسات سازمانی اقدام نمودند. اولین نشست آنان باشکست روپرو شد، اما در شهر کوچک ناسا<sup>۷</sup> که در آنجا بمانی به خوبی آشنای همه بود، مردان جوان انجمن باسومبا، اجتماع دویست نفری تشکیل داده و مردم نیز با علاقه به سخنان بمانی در مورد افتخار قومی و نیازهای اقتصادی خود گوش فرا دادند. سخنران به این واقعیت اشاره کرد که تصفیه‌کنندگان پنبه با وجود آنکه اهل سوکوما نیستند هر روز ثروت بیشتری اندوخته می‌کنند درحالیکه کشتکاران پنبه استثمار شده و همچنان در فقر بسر می‌برند. ثمره این گردهمایی، تأسیس اولین شرکت تعاونی جدید بود.

موفقیت بدست آمده در ناسا که مرکز یک امیرنشین بود، به برنامه‌ریزان این طرح نشان داد که باید جلسات بیشتری در سایر مراکز امیرنشین ترتیب داده شود. این مراکز علاوه بر آنکه اقامتگاه بلند پایه‌ترین مقامات سنتی در قوم سوکوما محسوب می‌شدند، به عنوان کانون تصمیم‌گیریها و

برگزاری جلسات دادگاه نیز مورد استفاده بودند. با سپری شدن دو نشست پی‌درپی، رؤسای محلی به تعاونی جدید پیوستند و اینگونه باعث حرکت افرادی شدند که هنوز در دل تردید داشتند.

در مدت کمتر از دوماه که از برگزاری جلسات روزانه می‌گذشت، بمانی و مریدان او فراخوان اجلاس عمومی متشکل از سی شرکت تعاونی جدیدالتأسیس را صادر نمودند که در ابتدا شعبه نامیده می‌شدند. این شعبات به منزله سی امیرنشین بودند که از پرجمعیت‌ترین و مهم‌ترین مناطق کشت پنبه در بین چهل و هفت امیرنشین سوکوما به شمار می‌رفتند. تعیین مالیات یک شیلینگی برای هر عضو که قصد سرمایه‌گذاری بیشتری در امور را داشت، محکی بود بر سنجش توان اقتصادی این اولین سی گروه تعاونی. ظرف مدت دوماه، ۳۰۰۰۰ شیلینگ ذخیره شد و تعاونی که در آن زمان شرکت کشتکاران لیک پرونس نام داشت، برای رتق و فتق کارها از کامیون و ماشین نسخه‌برداری خود استفاده می‌کرد. آمارهای رشد خودگویای توسعه سازمان بودند. در آوریل سال ۱۹۵۳، یعنی یکسال پس از اولین نشست موفق سازمان، سی و هشت شرکت قریب به ۱۳/۲ درصد از محصول پنبه کشاورزان سوکوما را خریداری کردند. سال پس از آن تعداد شرکتها به شصت و پنج عدد افزایش یافت که در مجموع ۳۲/۵ درصد پنبه تولیدی را خریداری می‌نمودند. تا پایان سال ۱۹۵۹، افتخار تعاونی آن بود که با در اختیار داشتن ۳۲۴ شرکت به هدف اصلی خود یعنی خرید ۱۰۰ درصد محصول پنبه کشتکاران سوکوما دست یافته است.

این نتایج آسان بدست نیامدند، بلکه همواره با مخالفت‌های مقامات دولت استعمارگر قرین بودند. پس از برپایی یکی از نشستها و مراقبت مخفیانه مأموران، فعالیت‌های بمانی محدود شد و تنها

می‌توانست در محدوده حوزه مؤانزا رفت و آمد کند. در چند مورد نیز، مقامات بریتانیایی در زمان بالاگرفتن بحث و مشاجره بین تصفیه‌گران پنبه و تعاونی، به جانبداری از فرایندگان پنبه می‌پرداختند. آنچه که با هدف انحصار کامل محصول پنبه از طرف تعاونی ظرف مدت هفت سال بدست آمد، نشان می‌داد که نباید از نقش مفید عوامل فرهنگی غافل بود.

### عوامل فرهنگی

دو عامل فرهنگی که در سازماندهی و رشد تعاونی پنبه موثر بودند تاکنون ذکر شدند. برای جوانان سنت‌گرای سوکوما، شرکت باسومبا اولین تجربه کار اشتراکی همچون خانه‌سازی یا زراعت به حساب می‌آمد. عضویت در باسومبا برای کلیه مردان جوان در حدود پانزده سال بصورت وکالتی بود، با این کار نوجوانان به سلاح تجربه مجهز می‌شدند و ارزش کار تعاونی را بهتر درمی‌یافتند. هر دهکده دارای گروهی وابسته به باسومبا بود که در هنگام ضرورت از وجود آنان استفاده می‌شد. مرد جوانی که هنوز در محیط خانه بسر می‌برد، با فراخوانده شدن از طرف رئیس گروه که منتخب مردم دهکده بود، در صورت لزوم به کار دعوت می‌شد. عدم موفقیت در کار به معنای پرداخت تاوان بود. در مقابل، پاداش کار خوب یک میهمانی و صرف غذا و نوشیدنی بود. از اینرو طبعاً مؤسسان تعاونی پنبه از باسومبا تقاضای کمک می‌کردند. دیگر نیازی نبود که بمانی ارزش کار تعاونی را خاطر نشان شود چرا که مستمعین او قبلاً از خدمات باسومبا در زمینه کاشت زمینهای پنبه بهره‌مند شده بودند.

عامل دیگری که ذکر آن رفت، برپایی جلسات در مراکز امیرنشین بود. گرچه نقش سوکوما نتمی<sup>۸۰</sup> با فشار دولت بریتانیا به اجبار به یکی از مقوله‌های

استعماری با عنوان "رئیس" تبدیل شد، اما "نتمی" همچنان در دهه ۱۹۵۰ یکی از اشخاص برجسته شرکت سوکوما محسوب می‌شد. او همواره مورد احترام همه بود و مردم برای قضاوت در بسیاری از امور خود به او مراجعه می‌کردند. این در حالی بود که برخی از رؤسای طوائف هنوز مدعای قدرت مافوق طبیعی بودند. در نتیجه در یکی از مراکز امیرنشین نشستی درون سازمانی برپا شد تا حداقل، احتمال مجازات "نتمی" را بررسی کنند. هرجا رئیس قبیله‌ای بطور آشکار و بی‌پرده از تعاونی پنبه حمایت می‌کرد، دراصل قسمت عمده کار مؤسسان تعاونی انجام شده بود. بنظر می‌رسد که عناصر ساختاری در فرهنگ سنتی سوکوما، پرمعناترین زمینه کنکاش را در علل موفقیت تعاونی بازارباب پنبه فراهم می‌آوردند. مردم سوکوما شرکتی را بوجود آوردند که بیشترین تأکید را بر حضور اجتماعات داوطلب داشت. برخی از این اجتماعات داوطلب در سرتاسر سرزمین سوکوما عضو داشتند. گرچه به دلیل عملکرد اصلی و در عین حال ثانویه به آنها "شرکت" اطلاق می‌شد. اما آنان اساساً گروههای تعاونی بودند. این اجتماعات داوطلب به همراهی گروه باسومبا به زراعت و خانه‌سازی برای اعضاء می‌پرداختند. برای افرادی که کار می‌کردند، غذا در نظر گرفته می‌شد، اما این اجتماعات داوطلب هرگز در قبال کاری که برای اعضاء انجام می‌دادند، وجهی دریافت نمی‌نمودند و حق عضویت نیز به شهریه ناچیز ورودی محدود می‌شد.

تشکیلات داخلی اینگونه شرکت‌های بصورت سلسله مراتب بود. رهبر بعضی از این شرکتها "نتمی" نامیده می‌شد. علاوه بر این رهبر، شخص دومی هم در شرکت وجود داشت و همچنین گروهی از مردان که به عنوان شورای رهبری عمل می‌نمودند. با گسترش این اجتماعات داوطلب در فراسوی



مرزهای امیرنشین، مردم، رهبران گروهها را به دیدهٔ احترام و قدرت می‌نگریستند. به دلیل وضعیت رهبران این شرکتها، گاه افراد از شرکتی که قبلاً تأسیس شده بود، جدا شده و گروههای جدیدی را تشکیل می‌دادند.

تعاونی پنبه از هر نظر با الگوی سازمان سنتی سوکوما هماهنگی داشت. شکل تعاونی اعضا در اشکال مختلف ظاهر می‌شد اما صرف‌نظر از نوع فعالیت در زمینهٔ زراعت یا بازاریابی محصولات تولیدی، نتیجه کار اساساً یک چیز بود. موضوع کار نشستهای اولیه عبارت بود از همکاری برای فروش انحصاری پنبه به شرکت تعاونی. در واقع جریمه‌هایی که در باسومبا و برخی شرکتهای تعاونی مرسوم بود، علیه آن دسته از اعضا تعاونی اعمال می‌شد که وسوسهٔ فروش پنبه در خارج از تعاونی را پیش از دریافت امتیاز انحصاری کالا در سر می‌پروراندند. چنین عضو تعاونی به پرداخت دوبرابر مبلغ دریافتی به شرکت تعاونی جریمه می‌شد. ایستگاههای خرید شرکت گاه به محل برگزاری مراسم محلی تبدیل می‌شد.

بیشترین شباهت بین تعاونی پنبه و شرکتهای سنتی در ساختار وظایف و اختیارات آنان نهفته است. هر شرکت تعاونی از وجود یک رئیس و یک نایب رئیس و کمیتهٔ مشاوران و دستیاران رئیس بهره‌مند بود. با گسترش تعاونی پنبه در سرتاسر سرزمین سوکوما و بارش بُعد اقتصادی تعاونی، رئیس و دیگر مجریان شرکتهای در صورت بهره‌مندی از جایگاه و موضع قدرت در یک شرکت سنتی، از احترامی که شایستهٔ آنان بود برخوردار می‌شدند. شرکت سوکوما بجز از طریق شرکتهای سنتی، راه‌پویای دیگری نمی‌شناخت. تعاونی پنبه برای بسیاری از مردان و بویژه مردان جوان راه صعود به تله‌های پیشرفت را به نحوی گشود که

نیازی به خارج شدن از ساختار سنتی نبود. رشد تعاونی پنبه مرهون عنصر دیگری از عناصر فرهنگی سوکوما یعنی نفی بلد بود. پس از شکل‌گیری سی شرکت اولیه، نه تنها رشد در زمینهٔ افزایش تعداد شرکتهای جدید روی داد بلکه تعداد اعضا شرکتهای موجود نیز روبه رشد نهاد.

برخی از کشاورزان سوکوما نسبت به الحاق به تشکیلات جدید بی‌میلی نشان می‌دادند و همچنان رویهٔ فروش به نمایندگان تصفیه‌گران پنبه را ادامه می‌دادند که با توسعهٔ تعاونیها به آدمهای سخاوتمند و گشاده‌دستی تغییر چهره داده بودند. هرگاه اعضا تعاونی در یک عرصه صاحب قدرت می‌شدند، افرادی را که رفتار آنان برای کل جامعهٔ تعاونی زیانبار تلقی می‌شد، تحت عنوان "میسی" به اخراج از تعاونی تهدید می‌کردند. شخصی که موصوف به یک چنین صفتی بود، از دهکده و مناطق اطراف آن طرد می‌شد. هیچکس با او حرف نمی‌زد و به ملاقاتش نمی‌رفت و حتی در هنگام بیماری یا آتش‌سوزی نیز به کمک او نمی‌شتافتند. در اینکه این روش تا چه حد موثر بوده شاهدی وجود ندارد اما در مواردی که عضویت هدف اصلی تعاونی محسوب می‌شد، این روش قطعاً دارای کاربرد بوده است. رهبران شرکت تعاونی در روزهای آغازین کار از یک وسیلهٔ سنتی ایجاد ارتباط استفاده می‌کردند. شرکتهای سنتی برپایی مسابقات سرودخوانی برای اعضا خود وسیلهٔ سرگرمی فراهم می‌کردند. هر شرکت به رهبری یک متخصص سرایش تصنیف و تنظیم بطور بالبداهه در مراسم سنتی و مسابقه حاضر می‌شد. به این رهبر اصطلاحاً یک "نینجی" می‌گفتند و از او انتظار می‌رفت تا با استفاده از ملودیهای معروف، ترانه‌هایی را بسراید. هر گروه می‌بایست اکثریت تماشاگران را دور خود جمع کند. این گروه برندهٔ مسابقه بود و

جایزه را از طرف مسئولین برگزاری مسابقه دریافت می‌نمود.

شخص "نینجی" اغلب در مورد موضوعات جاری مورد علاقهٔ مردم ترانه می‌سرود. در پاره‌ای موارد، موسسین تعاونی نینجی را به سرودن دربارهٔ تعاونی، مزیت‌های آن و اهمیت مشارکت عمومی ترغیب می‌کردند. همانگونه که قبلاً نیز گفته شد، گرچه مقدار تأثیر این روش ارتباطی قابل قضاوت نیست اما نمی‌توان منکر تأثیر آن نیز شد چراکه به عقیدهٔ سوکوما، مسابقه‌های سرودخوانی، به عنوان نوعی روزنامهٔ شفاهی عمل می‌کردند. مردم از راههای دور و نزدیک برای شنیدن سروده‌های نینجی می‌آمدند و در بازگشت، پیام‌آور همان شنیده‌ها بودند. گاه یک سرودهٔ زیبا و پرمعنا در خارج از گروه نیز زیانزد همه می‌شد. در نهایت جنبهٔ دیگری از فرهنگ سوکوما وجود دارد که شاید مهمترین عامل در پذیرش سریع و کامل تعاونیهای پنبه از سوی مردم سوکوما باشد. مسئله برابری و مساوات و مکانیسمهای حفظ آن در روش و منش سوکوما به ابعاد مختلف قابل مشاهده است. به استثنای رؤسا، خانوادهٔ آنان و مردان سطوح عالی‌رتبهٔ شرکتهای سنتی، در بین افراد سوکوما تمایل به حفظ هر شخص در همان سطح اجتماعی و اقتصادی خود او وجود دارد. لباس سنتی افراد به دلیل متحدالشکل بودن و خانه‌های آنان که نشاندهندهٔ ثروت صاحبانشان نیست، قابل ذکرند. غذا به نحوی ذخیره می‌شود که افراد غیراز اعضا خانواده به چندو چون و مقدار آن پی نمی‌برند. احشام که مهمترین معیار ثروت محسوب می‌شود، به امانت نزد دوستانی که در فواصل دور زندگی می‌کنند، سپرده می‌شود و اینگونه بزرگی کله به نظر کسی نمی‌آید. هرگاه اشخاص گمان ببرند که فردی دارای منبع ثروت و درآمدی خاص است، خویشاوندان و

دوستان آن فرد خواستار برگزاری جشن و میهمانی از طرف شخص ثروتمند می‌شوند تا زمانی که این مرد تازه ثروتمند شده نیز از نظر دارایی به سطح اطرافیان خود تنزل پیدا کند. نویسنده در زمان انجام این مطالعات به نمونه‌هایی چون نابودکردن دارایی و سوزاندن مزارع برخورد کرده که تنها به دلیل ثروتمندتر بودن صاحب دارایی از همسایگان او انجام شده است.



تقاضای میهمان‌نوازی مردم و پرداخت وام را به همراه داشت تنها به خاطر آنکه ثروت او تدریجاً زهکشی شده و به آخر رسد، مقرون به صرفه نبود.

### نتیجه‌گیری

در زمان تحقیق برای نگارش این مقاله، تعاونی بازاریاب پنبه در گستره‌ای به وسعت بیش از ۱۹۰۰۰ مایل مربع - محل سکونت سوکوماها، واقعیتهای غیرقابل انکار بود. بیش از ۲۶۰ ایستگاه خرید پنبه با انبارهای فلزی خود در سرتاسر این چشم‌انداز پراکنده شده بودند. تعاونی به معنای مشارکت مردمی در توسعه قومی و ملی بکار می‌رفت. در عین حال، تعاونی به منزله بدعتی بود که گروهی از مردم عامل آن بودند که تا پیش از آن نشانی از تمایل به تغییر و تحول در بین این مردم دیده نمی‌شد. مردم سوکوما از موفقیت در طرح خودیاری که صددرصد به خود آنان تعلق داشت، می‌بالیدند. آنان به بحث درباره تعاونی بسیار مشتاق بودند و بخصوص وقتی می‌شنیدند که دیگران تعاونی آنان را الگوی خود قرار داده و از آن نسخه‌برداری می‌کنند، به داشته‌های خود مباهات می‌کردند. در مفهوم ناب کلام، مردم سوکوما تنها پذیرندگان بدعتی بودند که از سوی مردانی باتجربه و بینش بین دو فرهنگ برایشان به ارمغان آورده بودند. از پل بمانی و دیگر مؤسسان این تعاونی می‌توان به عنوان نوآوران فعالی یاد کرد که با چشم بصیرت مشکل را دیدند، راه‌حل

چنانچه حفظ و پاسداری از مساوات را به عنوان شاهد بگیریم، به جرأت می‌توان گفت که تعاونیها اسباب و علل دستیابی به ثروت را بدون هیچگونه واهمه‌ای فراهم کرده‌اند. تمام اعضاء به یک میزان شهریه ورودی پرداخت می‌کنند، قیمت پرداختی برای پنبه پیش از رسیدن فصل فروش از قبل تعیین شده و ثابت است و همه اعضاء بطور مساوی در سودهای حاصله در پرداختهای ثانویه سهیم هستند. وانگهی، پرداخت قیمت پنبه در ملاء عام، هرگونه ظن و گمان در مورد انباشتن ثروتهای پنهانی را مرتفع می‌سازد.

یکی از بخشهای جالب سخنان پل بمانی در سال ۱۹۶۲ درباره صیانت از مساوات و جاری بودن این خصیصه نیکو در تعاونیها بود. بمانی که بعدها به عنوان وزیر در کابینه دولت حضور داشت، به عنوان موعظه به گروه سوکوما می‌گفت: «همه محصول پنبه را جمع کنید» و این رهنمود از آنجا ناشی می‌شود که به دلیل مشخص بودن قیمت پنبه پرداختی پنبه به کشاورزان، هیچ دلیل اقتصادی وجود نداشت که حتی یک پنبه دانه را در مزرعه به حال خود رها کنند. در آن دوران این فرضیه وجود نداشت که برخی کشتکاران برای آنکه ثروتمند تر از دیگران بنظر برسند، به جای چیدن کلیه پنبه‌دانه‌ها و فروش آنها، مقداری پنبه دانه در مزرعه خود باقی می‌گذارند. برای یک کشاورز جمع‌آوری محصولی انبوه که به دنبال خود

### پانویس:

- 1- Sukuma
- 2- Tanganyika
- 3- Lake Province
- 4- Paul Bomani
- 5- Mwanza
- 6- Basumba
- 7- Nassa
- 8- Ntemi
- 9- Mbisi
- 0- Ningi



## سازمان ملل و نهضت تعاون

# تعاونی‌ها در بخش بهداشت

مترجم: سیدجواد صالحی

در ایالات متحده تعدادی از این تعاونی‌های بهداشتی به عنوان سازمانهای حفظ بهداشت، عمل می‌کند. بزرگترین آنها «تعاونی بهداشت گروهی پوگت ساوند، (سیاتل) است که در سال ۱۹۹۳ ۴۷۸ هزار نفر را به دور هم گرد آورده بود و از هر ۶ نفر یکی عضو کامل و شرکت کننده در فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت بود. تعاونی، مراقبت بهداشتی جامع عرضه می‌کند من جمله: خدمات پیشگیری با یک هزینه مقطوع به اضافه پرداختهایی اندک.

اذعان شده است که این تعاونی در ایجاد خدمات تازه برای اعضاء خود نوآوری داشته و بررسی‌های مستقل نشان داده است که کیفیت خدمات آن جزء بهترین‌های کشور است. تعاونی‌های بهداشتی و مراقبت‌های ویژه نیز به استفاده‌کنندگان و صاحبان خود خدمات عرضه می‌کنند. مثلاً تعاونی بهداشتی یونایتد سینیورز (در پایتخت امریکا) برای ۹ هزار عضو و صاحب سالخورده خود، وسیله‌ای است برای دسترسی به خدمات اعلی، مناسب و بلندمدت. موسسات و سازمانهایی نظیر اتحادیه‌های کارگری و نهضت‌های تعاونی نیز می‌توانند تعاونی‌های بهداشتی متعلق به کاربران تاسیس کنند. مثلاً در سنگاپور کنگره ملی اتحادیه کارگری در سال ۱۹۹۲ از جانب اعضاء ۵۲ اتحادیه (کارگری)، یک تعاونی بهداشتی بنا نهاد.

بسیاری از تعاونی‌های تهیه و توزیع، عمران منطقه‌ای، مسکن و بیمه نیز فعالیت‌های خود را با عرضه خدمات بهداشتی برای اعضاء بسط داده‌اند. جامع‌ترین تعاونی‌های بهداشتی متعلق به کاربران در ژاپن فعالیت دارند. یکی از آنها توسط «اتحادیه تعاونی مصرف» (و در واقع «کمیته تعاون پزشکی آن» و دومی

بخش عمومی غیرکافی بوده و خدمات غیرتعاونی خصوصی موجود نیست و یا بسیار گران است. تعاونی‌های مستعمل به استفاده‌کنندگان یا مشتریان در این نوع تعاونی مکانی برپا می‌شود تا به رفع نیازهای بهداشتی ایشان کمک شود. اعضاء یا استفاده‌کنندگان، هدف‌ها و عملکردها را تعیین می‌کنند و بدان وسیله شهروندان عادی را قادر می‌سازند در مورد مراقبت‌های بهداشتی اختیار خودشان را در دست داشته باشند. هر کدام از اعضاء و صاحبان سهام، سرمایه را تامین کرده و سپس با پرداخت حق بیمه در هزینه‌های عملیاتی مشارکت کرده و مدیران را برای مذاکره و عقد قرارداد با عرضه‌کنندگان بیمه بهداشتی و مراقبت‌های بهداشتی انتخاب می‌کنند. غالباً این قبیل تعاونی‌ها بیمارستانها و دیگر تسهیلات بهداشتی را خریداری و اداره کرده و متخصصان و دیگر کارکنان را استخدام می‌کنند. و خدمات آنها طیفی از مراقبت‌های ساده پیشگیری و بیمه اولیه تا عملیات پیشرفته درمانی و توان‌بخشی را دربر می‌گیرد.

دیرکل پیشین سازمان ملل در گزارش سال ۹۴ خود به مجمع عمومی درباره تعاونی‌ها (سند ۴۹/۲۱۳ / آمورخ اول ژوئیه ۱۹۹۴ چنین نتیجه‌گیری کرد که «تعاونی‌ها ابزار سازمانی فراهم می‌آورند که با آن بخش عظیمی از بشریت قادر است اشتغال مولد، غلبه بر فقر و نیل به یکپارچگی اجتماعی را در دستهای خود بگیرد.» مجمع عمومی نیز (در قطعنامه ۴۹/۱۵۵ مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴) کمک مهم و امکانات همه انواع تعاونی‌ها را برای تهیه مقدمات و پی‌گیری نشست سران به رسمیت شناخت. این امر در اعلامیه سران منعکس شد که خود را به بهره‌برداری و توسعه کامل کمک‌های بالقوه و بالفعل تعاونی‌ها برای دستیابی به هدف‌های توسعه اجتماعی متعهد می‌کند.

### تعاونی‌ها و نیل به هدف‌های بهداشتی

در تعداد فزاینده‌ای از کشورها مردان و زنان با ایجاد تعاونی‌های بهداشتی به دنبال بهبود وضعیت بهداشت هستند. آنها اینکار را در جاهایی انجام می‌دهند که خدمات بهداشتی



وجود دارد که مزایای حاصله را یا از طریق تسهیلات خود یا توافق با پزشکان و بیمارستانهای خصوصی به اعضاء خود منتقل می‌کنند. مثلاً تعاونی‌های تولید، تهیه، فرآیند و عرضه شکر در ایالت ماهرآشترای هند بیمارستانها و درمانگاههایی در سرتاسر منطقه فعالیت خود برپا کرده‌اند.

دولتها نیز با تعاونی‌های بهداشتی متعلق به استفاده‌کننده‌گان مشارکتی را به عمل آورده‌اند. در سال ۱۹۹۴ در ایالات متحده ۹۰۰ مرکز بهداشتی تحت اداره و مالکیت مردم محلی موجود بود که عمدتاً در نواحی روستایی و مراکز شهرها قرار داشت و ساکنان کم درآمد را دربرمی‌گرفت. وجوه لازم برای تاسیس ۵۰۰ واحد از این موسسات توسط «اداره خدمات بهداشت عمومی ایالات متحده» تامین شد. در ایتالیا بسیاری از دولتهای محلی از تعاونی‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی محلی پشتیبانی می‌کنند. در کانادا مطالعه‌ای که توسط دولتهای مرکزی و محلی و نهضت ملی تعاونی صورت گرفت نشان داد که مراکز بهداشتی محلی تعاونی بدلیل هزینه کم برای فعالیت با هزینه‌های سرانه کمتری عمل کرده و خدمات پیشگیری و بهداشتی بیشتری عرضه نموده‌اند و برای محرومان قابل دسترسی‌ترند.

### تعاونی‌های بهداشتی متعلق به عرضه‌کننده

این تعاونی‌ها که معمولاً توسط پزشکان تشکیل می‌شود هم در کشورهای پیشرفته و هم در حال توسعه وجود دارد: بنین، برزیل، هندوستان و انگلیس. مزیت‌های سازمان تعاونی از این دست عبارت است از خرید کلی، خدمات اداری و فنی مشترک، و گردآوری انواع متخصص‌ها در داخل یکجا

تکسین پزشکی، ۱۱۵ بیمارستان با ۳۷۸۴۱ تخت و ۴۲ درمانگاه را تحت پوشش داشت. در سال ۱۹۹۲ بنگاههای بیمه تعاونی بخش مراقبت‌های بهداشتی را با خرید یک بیمارستان متوسط و ایجاد ده مرکز توان‌بخشی تازه گسترش دادند. در اوایل دهه نود از جانب تعاونی‌های مسکن و بیمه الگویی برای مراکز بهداشتی تعاونی به وجود آمد. این موسسات برای مقامات دولتهای محلی شرکای تعاونی فراهم کردند که به نحوی روزافزون مسئولیت خدمات و تسهیلات را می‌پذیرفتند.

در برخی کشورهای در حال توسعه تعاونی‌های بهداشتی متعلق به استفاده‌کنندگان (که غالباً توسط گروههای کوچک از پزشکان علاقمند ایجاد می‌شود) با همکاری نزدیک دیگر انواع تعاونی‌ها به وجود آمده است: بطور مثال همکاری تعاونی ارزان‌فروشان و همچنین پس‌انداز سری لانکا، و نظام بانکی تعاونی روستایی در مینداناوی فیلیپین از جمله این موارد است. به علاوه نمونه‌های بسیاری از تعاونی‌ها منجمله تعاونی‌های خدمات بهداشتی

توسط نظامهای تعاونی کشاورزی (از طریق فدراسیون ملی رفاه تعاونی‌های کشاورزی) تاسیس شده است. هر کدام از اینها در زمان و مکانی ظاهر شد که خدمات عمومی نارسا و فعالیت‌های خصوصی خارج از توانایی بیشتر اعضا بود. در حالی که هر دو خدمات درمانی و توان‌بخشی عرضه می‌کنند، بر خدمات پیشگیری که شامل رویکردهای جامع و مادام‌العمر نسبت به زندگی سالم و ارتباط فزاینده با پیری سریع جمعیت ژاپن است تاکید می‌ورزند. تعاونی‌های بهداشتی در حل مسائل ناشی بین بیمار و متخصصان امور پزشکی نیز پیشناز بوده‌اند و از سال ۱۹۸۷ از حق بیماران برای شرکت در تصمیمات مربوط به درمان پشتیبانی کرده‌اند. در مارس سال ۱۹۹۲ نظام تعاونی مصرف ۱/۵ میلیون عضو و ۱۷۰۴ پزشک و ۱۸۱۹۲ نفر دست‌اندرکار علوم پزشکی را در استخدام داشت، و بیش از ۸۱ بیمارستان و ۲۰۷ درمانگاه را با ۱۲۹۱۶ تخت اداره می‌کرد. نظام تعاونی کشاورزی نیز ۳۷۵۰ پزشک، ۱۷۵۹۴ پرستار، ۴۹۲۲



شبکه واحد. این طیف خدماتی تقویت شده خدمات خود را در یک محل عرضه می‌کند. این قبیل تعاونی‌ها می‌تواند توسط گروهی کوچک از پزشکان تشکیل شود که در محل واحدی طبابت می‌کنند یا توسط تعاونی‌هایی برپا کردند که تسهیلات مشترک نظیر بیمارستانها را می‌گردانند و این امر می‌تواند به سرتاسر کشور گسترش یابد.

یکی از بزرگترین تعاونی‌هایی که به عرضه کنندگان خدمات تعلق دارد در سال ۱۹۶۷ در برزیل تاسیس شد. (کنفدراسیون ملی تعاونی‌های پزشکی (یونی مد دُ برزیل)) تا سال ۱۹۹۴ اعضاء و صاحبان این تعاونی از ۶۰۰۰۰ پزشک مستقل فعال تشکیل می‌شد که  $\frac{1}{3}$  کل پزشکان آن کشور بودند. و ۷۰ درصد اعضاء آن در طبابت می‌کردند که در اختیار مقامات محلی بود. تعاونی مزبور استفاده کنندگان و ۳۰۰۰۰ بنگاهی که به کارکنان آنها بیمه بهداشتی عرضه می‌کردند دارای قرارداد بود و می‌توانست از هر پزشک عضو در هر جای برزیل خدمات معین بخواهد. نظام یونی مد بنگاههای وابسته جهت بیمه عمر و کسب، نظام مکمل تعاونی‌های وام و پس‌انداز، یک نظام اطلاعاتی جهت داده‌های اداری و پزشکی، نظام ماهواره‌ای ارتباط دور و یک مرکز تحقیق و توسعه به وجود آورده است.

تعاونی‌های متعلق به استفاده کنندگان می‌تواند با تعاونی‌های متعلق به عرضه کنندگان پیوند یابد و این هنگامی است که گروه متخصصان، هم به سازمان تعاونی و هم به نیاز رفع شکاف خدمات بهداشتی بین بخش‌های دولتی و خصوصی علاقمند باشند. تعاونی خدمات بهداشتی اینستگرا در کاتالونیای اسپانیا که توسط بنیاد اسپریو ایجاد

شده از این نوع است این تعاونی تا سال ۱۹۹۲ متجاوز از یک میلیون عضو استفاده کننده داشت. تعاونی‌های مشابهی که در سطح محلی عمل می‌کنند نیز در ایتالیا موجود است. در مالزی پزشکان و دولت وسیله‌ای را جستجو می‌کنند که یک نظام ملی مراقبت بهداشتی تعاونی برپا کنند تا نظامهای مکمل تعاونی‌های متعلق به عرضه کنندگان و استفاده کنندگان از خدمات را در برگیرد.

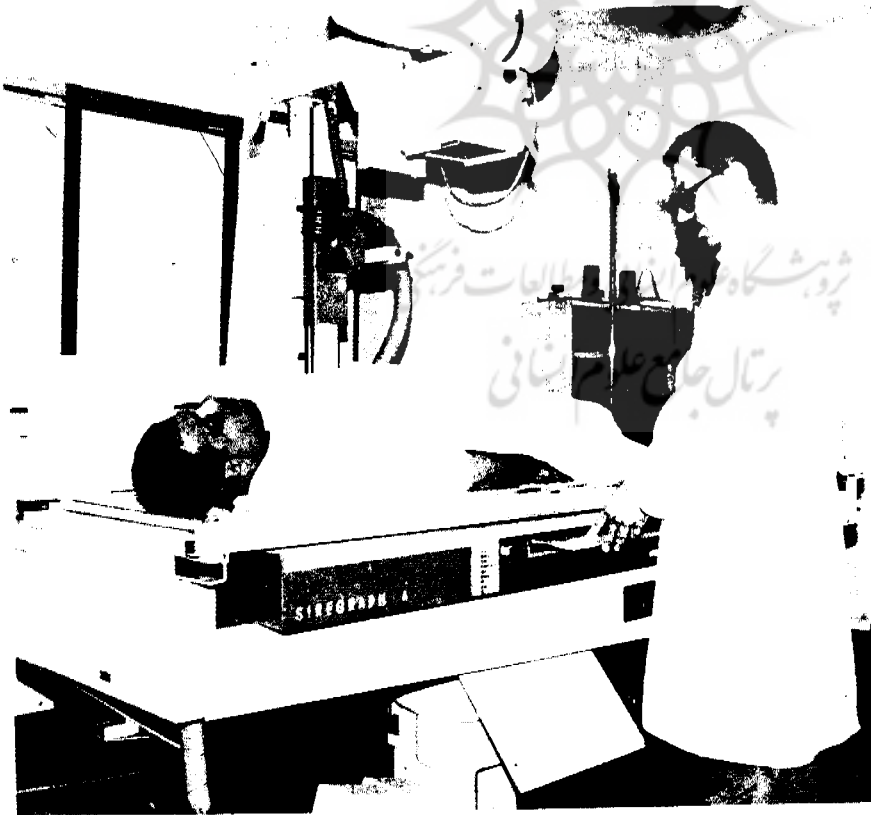
تعاونی‌های عرضه خدمات بهداشتی، خرید، تهیه خدمات عمومی و فروش از خرید گروهی، تخفیف داده‌ها و کاهش هزینه‌های عملیاتی برخوردارند. در ایالات متحده بزرگترین خرید بخش بهداشت نظام سرتاسری «والتری‌ها سیتال آوا» است.

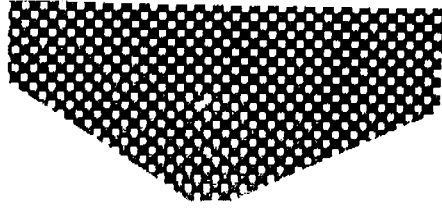
### روندهای سازمان تعاونی بهداشت

### بهداشت

تعاونی‌های بهداشتی در ژاپن و برزیل از نظر ملی با اهمیت هستند. در اسپانیا (به خصوص در کاتالونیا) و در ایالات متحده (به خصوص در شمال غرب، غرب میانه و شمال شرق) از نظر منطقه‌ای اهمیت دارند، و در برخی مناطق بنین، کانادا، شیلی، کلمبیا، ال سالوادور، هند، مالزی، مکزیکو، پاناما، فیلیپین، سری لانکا، سوئد و انگلیس وجود بسیاری از نیازهای بهداشتی اعضاء خود را تامین می‌کنند. برآورد می‌شود در آسیا ۲۵۰ تعاونی بهداشتی وجود داشته باشد.

اتحادیه بین‌المللی تعاون با توجه به تقاضای اعضاء برپایی یک نهاد تخصصی برای تعاونی‌های بخش بهداشت را مورد توجه قرار می‌دهد.





# تعاونی‌ها در اندونزی

برگردان: اداره امور بین‌الملل وزارت تعاون

توسعه تعاونی در راستای توسعه اقتصادی اندونزی امری بديهی و حیاتی است. تعاونی‌ها، بعنوان تشکلات اقتصادی مردمی، باید باکفایت‌تر به منظور بارورتر کردن مشارکت‌های کارآمد و تقویت جنبش اقتصادی مردمی گام بردارند. توسعه تعاونی‌ها، در فحوای توسعه اقتصادی ملی، باید در زمینه‌های ساختاری و کیفیت تاسیس تعاونیها و سیستم تعاونی معطوف گردد. تا بدانجاکه کاملاً کارآمد و مؤثر واقع شود و نقش مهمی در اقتصاد مردمی ایفا نماید و به‌عنوان پایه‌های محکم و استوار برای توسعه اقتصاد ملی قلمداد شود.

توسعه تعاونی‌ها در اولین برنامه طویل‌المدت توسعه (PJPI) نتیجه‌ای معنی‌دار داشت که این نتیجه موجب بهبود تصور جامعه از شیوه تعاون شهر و نشان‌دهنده افزایش تعداد افراد مشارکت‌کننده در طرحهای تعاونی بود که در نتیجه شاهد افزایش تعداد و گونه‌های مختلف تعاونی، افزایش جمع کل اعضا، تعداد کل زمینه‌های مختلف تجاری، جمع‌کل اعضای تعاونی‌ها و سرمایه‌های در گردش تعاونی‌ها هستیم. موفقیت حاصله پیوسته بیشتر، گسترده‌تر و جامع‌تر شده به منظور تحقق یافتن این اهداف، باید هدف عینیت یافتن و اهداف

تاسیس تعاونی و بنگاههای کوچک تجاری تصریح گردد.

هدف از تاسیس تعاونی‌ها و بنگاههای کوچک تجاری، ایجاد تعاونی‌های خودکفا و تقویت بنگاههای کوچک تجاری است تا به عنوان مراکز اقتصادی مستحکم، کارآمد و ریشه‌دار در جامعه، تقویت‌کننده ساختار اقتصاد ملی به شمار آیند.

برای رسیدن به اهداف توسعه تعاونی‌ها و بنگاههای کوچک تجاری در ششمین برنامه توسعه پنج ساله (پلیتاع) باید اهداف تعاونیها در این راستا به قرار ذیل سمت و سو گیرد.

۱- افزایش کیفیت تعاونی به منظور رقابتی‌تر و مترقی‌تر و کارآمدتر شدن تعاونی‌ها، توانمندی برای ایجاد حرکت، ادغام و ارتقاء توانائی منابع انسانی برای افزایش تولیدات، مفید و مؤثر، ارزشمندتر، بدین ترتیب تعاونیها می‌توانند در جنبش اقتصادی مردم نقش کلیدی و حساس را ایفا نمایند و ریشه‌های محکم در جامعه داشته باشند.

۲- ارتقاء شرایط برای تحقق یافتن ۲۷۰۰ واحد تعاونی جدید و پایدار روستائی (KUD) ۵۰۰۰۰ واحد تعاونی کارگری پیشرو (KOPKAR) - ۵۰۰۰۰ واحد تعاونی روستائی توانمند و پیشرو ۸۰۰۰ واحد تعاونی کارگری جدید، ۴۰۰۰ واحد

تعاونی ثابت و استوار کارمندی (KPN) و تعاونی‌هایی که در خدمت نیروی‌های مسلح اندونزی هستند، ۵۰۰ واحد تعاونی چندمنظوره (KSW) ۲۴۰۰۰ واحد تعاونی خدماتی، ۱۵۰۰ واحد تعاونی صنعتی و الکتریکی و ۱۰۰۰ واحد تعاونی بازاریاب.

۳- افزایش تعداد بنگاه تجاری کوچک اقتصادی پیشرفته و خودکفا با ظرفیت رقابتی بالا که لازمه آن افزایش نیروی کار، بیمه، حسابرسی مناسب شیوه مدیریت جدید، درآمد قابل ملاحظه و سرمایه در گردش، استفاده از تکنولوژی‌های کارآمد و مؤثر، ایجاد شبکه ارتباطی، اجرای مقررات مالیاتی جذب نیروی کار، آگاهی زیست محیطی، می‌تواند فرصتی فراختر برای ارتقاء فرصت‌های کاری فراهم نماید.

۴- ارتقاء شرایط برای تحقق ۱۸/۳ میلیون واحد صاحب سرمایه کوچک و قوی افزایش ۶۳۰۰۰۰ واحد صفوف کوچک و قوی کارآفرینی تا به حد صفوف متوسط کارآفرینی رشد نمایند.

در ششمین برنامه پنج ساله توسعه سیاستهای متخذه در مورد بخش‌های تعاونی در کنار برنامه‌های دیگر بدین‌قرار است: سمت دادن به توسعه تعاونی‌ها، ارتقاء روحیه با هم‌بودن و مدیریت تخصصی، ایجاد یک جو هدایت شده تجاری و حساسیت سرمایه‌های در گردش، و تقویت تعاون در تعاونی و بین تعاونی‌ها با شرکت‌های دولتی همچنین با سایر مراکز تجاری.

برای پیروی از این سیاستها، پاسخ‌گویی به سیاست‌های توسعه تعاونی در ششمین برنامه پنج ساله توسعه، همانطور که در رهنمودهای سیاست دولتی به سال ۱۹۹۳ قید شده است. سیاست‌های در کنار سیاست‌های دیگر بدین منظور تدوین شد: افزایش ورودیه و بخش‌های بازار، توسعه ورودیه برای ایجاد منابع سرمایه، تقویت ساختار سرمایه‌ای

تعاونی‌ها، ارتقاء و بهبود سطح قابلیت‌های، تشکیلاتی، مدیریتی و دست یافتن و استفاده از تکنولوژی، توسعه تعاون در تعاونیها و مشارکت با سایر مراکز تجاری. به دلیل زمینه وسیع توسعه تعاونیها و ارتباط تعاونی با بخش‌های توسعه یافته، به منظور مجری داشتن سیاست فوق‌الذکر باید هماهنگ و منطبق با فعالیت‌های جاری در جهت استقرار تعاونی‌ها و توسعه آنها در بخش‌ها قید شده گام برداشت. سیاست‌های دیگری هم در مناطق کم توسعه یافته به مرحله اجرا درخواهد آمد تا قابلیت و موفقیت جوامعی را که زیر خط فقر به سر می‌برند افزایش دهد.

بر اساس اهداف و سیاستهای توسعه تعاونی در ششمین برنامه ۴ ساله توسعه، برنامه‌های تدوین شده است. از جمله برنامه‌های اصلی و حمایتی، که دولت، همچنین، جامعه باید آن را به مرحله اجرا درآورد. برنامه‌های اصلی که قرار است اجرا شود: ۱- آموزش و پرورش و آگاه ساختن از برنامه‌های تعاونیها ۲- تشکیل مؤسسات تعاونیهای مالی و برنامه‌های تشکیل صندوق ۳- ارتقاء و توسعه تعاونیها و برنامه‌های مشارکتی و ... ۴- برنامه حمایت تأسیس تعاونیها.

برنامه‌های حمایتی که باید اجرا شود: ۱- توسعه تعاونیها در مناطق نه چندان توسعه یافته ۲- مؤسسات اطلاع رسانی تعاونی‌ها ۳- تحقیق و توسعه در زمینه تعاونیها ۴- آموزش و دادن مسئولیت به جوانان در تعاونیها ۵- نقش زنان در تعاونیها و ثبت قانونی تعاونیها.

### ف: برنامه‌های اصلی

۱- آموزش، تعلیم و ارائه اطلاعات به تعاونیها  
اهداف برنامه عبارت است از افزایش استقلال‌رایی، تخصص در حرفه، مهارتها و یژی اعضای تعاونیها، هئیت مدیره،

مستخدمین و ناظرین (سرپرستان) که شامل توانائیهای خاص در امر مدیریت و بکارگیری، توسعه و نیز فراگیری هرچه بیشتر علوم و تکنولوژی جهت افزایش بازده کفایت آنها در نحوه ادراة تعاونیها و نیز استفاده از فرصتهای بدست آمده جهت گسترش جدید به بهترین وجه ممکن.

این برنامه همچنین با هدف دستیابی به ارتقاء سطح تخصص حرفه‌ای، مهارتها، دانش و آگاهی، تعهد مسئولیت‌پذیری مؤسسين تعاونیها که نهایتاً افزایش کارآئی و کفایت مؤسسات تعاونی را بدنبال خواهد داشت، تنظیم گردیده است. بمنظور گسترش کمی و کیفی تأسیسات تعاونی، سیستمی تحت عنوان «مشاورین تعاونیهای مصرف PKKL در خلال سالهای ۹۰-۱۹۸۹ بکار گرفته شد که ارائه مشورت‌های فنی به تعاونیها در ایفای تعهدات اعضاء، از جمله اهداف سیستم یاد شده است. از ابتدای (Pelita VI) لغایت دسامبر ۱۹۹۴، تعاونی ۱۰۷۵۹ نفر در دوره‌های آموزشی تعاونیها شرکت کرده بودند که در مجموع سرپرستی تعاونیها، مدیران اجرا در تعاونیها، کارکنان و شاغلین صنوف را در بر میگرفت. درصد، مدیران متعلق به تعاونیهای تحت پوشش رقمی معادل ۱۲/۲٪ را نشان میداد درحالیکه، مدیران تعانیهای روستائی رقم



۷۴٪ را بخود اختصاص داده بودند که افزایشی معادل ۷/۵٪ و ۸/۵٪ در مقایسه با سال قبل از آن را نشان میداد. طی سالهای ۹۵-۱۹۹۴ تعداد ۶۸۶ مشاور تعاونیها، تعلیم دیده و در تمام نواحی مشغول به کار شدند که البته این رقم ۴۵/۷٪ مجموع مشاورین را دربر میگرفت.

### ۲- تأسیس مؤسسات مالی و اعتباری تعاونیها

این برنامه باهدف افزایش سرمایه تعاونیهای ایجاد شده و نیز گسترش توانمندی سرمایه، بمنظور ارتقاء یک ساختار سالم سرمایه طراحی گردیده است. در این رابطه، تسهیلات اعتباری برای تعاونیها عبارتند از:

الف: اعتبارات لازم برای تعاونیهای روستائی بعنوان سرمایه جهت تأمین ذخیره سبوس برنج، غلات، انواع گیاهان، کودهای شیمیایی و مواد موردنیاز باغبانی.

ب: اعتبارات موردنیاز فعالیت‌های کشاورزی (KUT بعنوان سرمایه‌کاری کشاورزان با تأکید کاشت برنج، غلات و انجام امور باغبانی).

ج: اعتبارات مربوط به اعضاء تعاونیهای عمده بعنوان سرمایه‌کاری و نیز سرمایه‌گذاری در امور تجاری بازرگانی و کارهای تولیدی و بطور کلی در تمامی بخشهای اقتصادی.

در اولین سال فعالیت مجموع سرمایه اعضاء تعاونیها به رقمی معادل ۲/۳ تریلیون روپیه ۵۰/۴٪ از مجموع سرمایه‌کاری تعاونیها بالغ گردید. و در مقایسه با جدول مربوط به فعالیت در سال ۱۹۹۳ رشدی معادل ۲۶/۸٪ مشاهده می‌شود. سرمایه‌کاری تعاونیها در سال ۱۹۹۴ بالغ بر ۴/۵ تریلیون روپیه بود و با افزایشی معادل ۲۶/۵٪ در مقایسه با آخرین سال فعالیت (Plitav) نشان میداد.

در سال ۱۹۹۴، توزیع KUT, KKUD,

"KKPA و یا دیگر تسهیلات اعتباری، از جمله اعتبارات برای افزایش تولید نیشکر مردمی (TKI)، به ترتیب به ارقامی معادل ۱۵۵/۷،۹۴/۴،۳۳۶،۱۵۴/۹ میلیون روپیه رسیده که در مجموع کاهش معادل ۱۵/۵٪ در مقایسه با مدت مشابه در سال قبل از آن را نشان می‌داد.

تعاونیهائی که قادر به تأمین و وثیقه جهت دریافت اعتبارات تضمینی از جانب تعاونیهائی اعتبار نیستند نیز از سوی (PKK) کمکهائی را دریافت می‌کنند. از آوریل تا دسامبر ۱۹۹۴، جمعاً تعداد ۴۶۸ تعاونی، اعتبارات تضمینی معادل ۲۳۴/۹ میلیون روپیه از PKK دریافت نمودند، در صورتیکه طی سالهای ۹۴-۱۹۹۳ اعتبارات پرداختی به ۲/۵۳۲ شرکت تعاونی رقمی معادل ۳ میلیون روپیه را در برمیگرفت. طی همین مدت در سال ۱۹۹۴، ارزش اعتبارات بانکی تعاونیهائی که از کمکهائی PKK استفاده کرده بودند، به رقمی معادل ۳۰۶/۲ میلیون روپیه رسید در حالیکه این رقم در خلال سالهای ۹۴-۱۹۹۳ حدود ۵۹۷ میلیون روپیه را نشان میداد. تا اولین سال برنامه پنجساله ششم (Pelitan)، تعداد تعاونیهائی که اعتبار در اختیار فروشنندگان جزء (KEK) قرار میدادند بالغ بر ۶/۰۶۷ واحد یا مجموع اعتباراتی معادل ۲۷۷/۲ میلیون روپیه بود، و این درحالیست که تعداد ۱۷/۵ میلیون نفر از خدمات انجام شده بهره‌مند گردیده بودند- در مقایسه با آخرین سال برنامه پنجساله پنجم (Pelitan) رشدی ۱/۵ درصدی در تعداد تعاونیهائی و ۲/۲ درصد در ارزش اعتبارات پرداختی و ۱ درصد تعداد مشتریها تقریباً تمام استانها در اندونزی و به غیر از جاکارتا، سولاوی جنوبی و سوماترا غربی از برنامه (KCK) مشاهده میگردید.

مؤسسات مالی تعاونی، از طریق تسهیلات اعتبار بانکی (KBPR) و

تعاونیهائی وثیقه‌گذار نقش بسیار مهمی را در افزایش سرمایه جنبش تعاون ایفا نموده‌اند. تا دسامبر ۴۹،۹۴ واحد KBPR، ۹۳۲ واحد KSP و ۴/۹۹۲ واحد قبول تعهدات رهنی توسط تعاونیهائی غیر روستائی (غیر KUD) در تمامی ایالات اندونزی تأسیس و بکارگرفته شده.

### ۳- بسط و توسعه مسئولیتهای تعاونی

هدف عمده این برنامه، ارائه خدمات روزافزون به اعضا توسط تعاونیهاست. فعالیتهای پیش‌بینی شده در برنامه عبارتند از: جمع‌آوری اطلاعات مربوط به افزایش اعضاء تعاونیهائی و بازدهی تعهدات از طریق گروههای تماس، تجارت و بازرگانی و یاترویج تعاون (بر پایه نمایشگاه) در داخل یا خارج از کشور. در مجموع، ارزش کل اعتبارات ناشی از تعهدات تعاونیهائی در سال ۱۹۹۴، رقمی معادل ۸/۲ میلیون روپیه را نشان میداد. تا اولین سال شروع برنامه پنجساله ششم (Pelitan)، توسعه منابع و ذخائر برنج سبوس توسط تعاونیهائی روستائی بدین صورت بوده است:

طی سالهای ۹۵-۱۹۹۴ مجموع تعداد تعاونیهائی روستائی شرکت‌کننده در تأمین غذا ۳۰۹ واحد بوده است که افزایش معادل ۱/۵٪ نسبت به سال قبل از آن را نشان می‌دهد مقدار غذای خریداری شده طی همان سال یک میلیون تن بوده است که در واقع کاهشی برابر با ۴ درصد نسبت به مدت مشابه در سال قبل از آن را نشان میدهد.

کاهش میزان ریزه برنج سبوسدار توسط تعاونیهائی روستائی، باعث کاهش مقدار فروش همین تعاونی به بنگاه لاجستیک (BULOG) گردیده است. طی سالهای ۹۵-۱۹۹۴ تعداد ۲/۰۹۵ واحد تعاونی روستائی برنج سبوسدار خود را به میزان ۷۱۱ هزار تن و یا ۵۷/۴٪ کمتر از

مدت مشابه در سال قبل از آن را به BULOG فروختند.

مجموعاً تعداد ۱۴۳۴ واحد تعاونی روستائی برنج سبوسدار خود را از طریق مراکز جمع‌آوری محصولات تعاونیهائی روستائی (PUSKUD) و یا حجم ۱۳۵/۹ هزار تن که بیانگر رشدی معادل ۴٪ درصد نسبت به سال قبل بوده است را در اختیار بازار مصرف قرار دادند. در زمینه برق‌رسانی به روستاها، نقش تعاونیهائی نشاندهنده افزایشی است که دلالت افزایش تعداد تعاونیهائی فعال در این عرصه، تعداد مشتریها و روستاهائی که خدمات دریافت کرده‌اند میباشد.

در سال ۱۹۹۴، تعداد تعاونیهائی که در برق‌رسانی به روستاها مشارکت داشتند بالغ بر ۳/۱۳۵ واحد برآورد گردید که نسبت به مدت مشابه در سال قبل رشدی معادل ۸۶/۸ را نشان میداد. تعداد منازل برق داده شده، یازده میلیون و بعبارت دیگر ۹۵٪ بیشتر از سال ۱۹۹۳، اعلام گردید.

تاسالهای ۹۵-۱۹۹۴ تعداد ۲۰۲۴۹ واحد فروشگاه عمومی در اندونزی - فعالیت داشتند از این تعداد ۵۰۶۲ واحد توسط تعاونیهائی روستائی و تعداد ۱۵/۱۸۷ نیز توسط تعاونیهائی غیرروستائی اداره میگردید.

بمنظور افزایش خدمات تعاونیهائی به اعضاء، تا ژانویه سال ۱۹۹۵ بیش از ۳۰/۶۶۴ TPK در سطح روستائی در کلیه استانها توسعه یافتند.

### ۴) تعاون و همیاری در تعاونیهائی و برنامه مشارکتی

هدف از اجرای این برنامه ارتقاء سطح توان و کارایی سرمایه‌های تعاونیهائی در اجرای جنبه‌های نهادین از طریق تعلیم و تربیت و همچنین سایر جنبه‌ها از طریق تقویت شبکه‌های تعاونی، تسریع روند انتقال فن‌آوری و گسترش شبکه‌های بازاریابی محصولات تعاونی می‌باشد.



در جهت توسعه سرمایه‌گذاری تعاونیها، شبکه ارتباط مشارکتی بین تعاونیها و شرکتهای دولتی (BUMN) و همچنین شرکتهای خصوصی، ایجاد شد.

تا دسامبر سال ۱۹۹۴، حجم سرمایه‌های توزیع شده بین تشکیلات تعاونی به بیش از ۱۳۵/۷ میلیارد روپیه بالغ شد و به عبارتی نسبت به سال قبل از آن به رشد ۱۴/۳٪ دست یافت. این مقدار سرمایه توسط ۱۵۰ واحد شرکت دولتی بین ۱۸/۷۹۱ واحد تعاونی / تعاونیهای روستایی تقسیم شد و نسبت به سال قبل از آن ۱۴/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. تا پایان سال ۷۱۹۹۵ مجموع ۱۸۰ شرکت خصوصی نزدیک به ۷۶ میلیون سهام خود را به ۱/۸۷۴ واحد شرکتهای تعاونی / تعاونیهای روستایی بفروش رساندند که به نسبت سال قبل از آن ۲۶/۱٪ افزایش فروش سهام نشان می‌دهد.

در همین زمان، تعداد ۱/۱۲۳ واحد تعاونی / تعاونیهای روستایی، سود سهامی به ارزش ۱۱/۲ میلیارد روپیه دریافت نمودند.

#### ۵) برنامه تقویت سازمانی تعاونیها

هدف از اجرای این برنامه، سازماندهی و تقویت نهادهای تعاونی به منظور همگام کردن حرکت تعاون با جو فعال و پویای اقتصادی می‌باشد. این برنامه با انگیزه توسعه تعاونیهای روستایی جدید و ترقی در بخشهای فرعی روستایی فاقد تعاونی انجام می‌شود.

در سال ۱۹۹۴ تعداد تعاونیها به ۴۴/۲۹۴ واحد بالغ شد که در این میان، تعداد ۳۵/۲۷۳ واحد مربوط به واحدهای تعاونی غیرروستایی (MEN-KUD) و ۹/۰۲۱ واحد تعاونی روستایی بودند که هر یک به ترتیب ۱/۷٪ و ۴/۳٪ رشد نسبت به سال قبل از آن دست یافتند. تعاونیهای روستایی (KUD) در تعداد ۳/۵۷۸ بخش فرعی روستایی و به



عبارتی ۹۳/۹٪ از ۲/۸۱۲٪ بخشهای فرعی روستا در کشور اندونزی ایجاد شده‌اند.

در اولین سال اجرای ششمین طرح پنج ساله توسعه، کل تعداد اعضاء دائمی تعاونیها به ۲۵/۴ میلیون رسید که از این تعداد، ۱۳ میلیون نفر عضو شرکتهای تعاونی روستایی و ۱۲/۴ میلیون عضو واحدهای تعاونی غیرروستایی بوده‌اند که در مقایسه سال قبل از آن ۹٪ رشد نشان می‌دهد. تا دسامبر سال ۱۹۹۴، تعاونیهایی که به تشکیل نشستهای سالانه اعضاء (RAT) اقدام می‌نمودند به ۶۰٪ و به بیان دیگر به ۴/۷٪ رشد نسبت به سال قبل از آن دست یافتند. در ضمن، ۳۴۶ واحد تعاونی روستایی جدید و پیشرو در همان سال ایجاد شد. از اینرو تا پایان پنجمین طرح پنج ساله توسعه تعاونی ۵/۲۴۰ واحد تعاونی روستایی جدید و پیشرو در بیش از ۳/۲۳۳ بخش فرعی روستایی در اندونزی پراکنده شدند که در مقایسه سال قبل از آن ۳/۵٪ رشد نشان می‌دهد. در همین زمان، ۱۱۸ واحد تعاونی روستایی اولیه و پیشرو نیز با عملکردی به عنوان کانون تشکیل تعاونی توسعه یافتند.

در راستای گسترش خدمات ارائه شده از

سوی تعاونیها به جامعه، ۱۲۰۰ واحد تعاونیهای جدید کارگری در اولین سال اجرای ششمین طرح پنج ساله ایجاد شد که کل تعداد این تعاونیهای کارگری به ۴/۱۷۷ واحد بالغ شد و به نسبت سال قبل نرخ رشد ۳۴/۵٪ را نشان می‌دهد که ۴۷۹ واحد از این میان به تعاونیهای خودکفا مربوط می‌شود.

#### ب) برنامه‌های حمایتی

##### ۱- توسعه تعاونیها در مناطق در حال توسعه

برنامه مذکور دهدف را دنبال می‌کند. در درجه نخست تقویت و توسعه سرمایه‌گذاریهای گروهی مدنظر قرار می‌گیرد که در ادامه راه به تشکیل تعاونیهایی در راستای نیازها و تواناییهای جامعه بومی کشور می‌انجامد. درگام بعدی، هدف توسعه کیفی و بالابردن توانمندی تعاونیها و به دیگر سخن، پیشبرد کیفی و بسط ارائه خدمات در میان اعضاء تعاونیها و جامعه در مناطق نه چندان توسعه یافته دنبال می‌شود.

فعالیتهای انجام شده در اولین سال اجرای ششمین طرح پنج ساله عبارتست از ارائه اطلاعات به ۴۰۰۰ بنگاه تجارتي کوچک (درمجموع ۸۰ گروه) و ایجاد ۳۵ واحد فروشگاه عمومی (Waserda) زیرنظر تعاونیهای روستایی و ۶۱ واحد دیگر از همین نوع فروشگاههای عمومی زیرنظر تعاونیهای مصرف و ۴۱ واحد با مدیریت تعاونیهای روستایی.

##### ۲- ایجاد سیستم اطلاع رسانی تعاونی

برنامه مذکور بر بهبود و ایجاد یک سیستم اطلاع رسانی در زمینه تأسیس و سرمایه‌گذاری تعاونی تأکید دارد که موارد زیر راتحت پوشش قرار می‌دهد: اطلاعات در مورد بهره‌وری و بازاریابی در داخل کشور و امر صادرات، گردآوری سرمایه،

و ارائه اطلاعات در جهت حمایت از تشکیل تعاونیها، برقراری مناسبات متقابل و مشارکت.

در اولین سال اجرای ششمین طرح پنج ساله توسعه، انتشار اطلاعات از طریق نشر در رسانه‌های خبری چون روزنامه، بروشور، جزوه و نظایر آن و همچنین رسانه‌های گروهی چون رادیو، تلویزیون، فیلم و دیگر برنامه‌های اطلاع‌رسانی انجام شد.

### ۳- تحقیق و توسعه در تعاونیها

برنامه یاد شده همچنین بر حمایت از ایجاد تعاونیها از طریق تحلیل سیاستها، متناسب با حرکت کیفی روبه رشد تعاونیها، منابع انسانی، افزایش میزان دسترسی تعاونیها به امکانات و بازار، افزایش منابع سرمایه تعاونیها و امکان دسترسی به فن‌آوری تقویت نهادهای تعاونیها به منظور تحقق استقلال تعاونیها در ششمین طرح پنج ساله توسعه تأکید دارد.

در پاره‌ای از تحقیقات بعمل آمده طی سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ در مورد تعاونیها، نوعی مشارکت و طرحهای اصلی سیستم اطلاع‌رسانی تعاونیها و بنگاههای کوچک اقتصادی و مطالعه موردی چشم‌انداز آتی ایجاد تعاونیهای اجرایی به چشم می‌خورد.

### ۴- آموزش و ایجاد تعاونیهای جوانان

هدف از اجرای این برنامه ایجاد روحیه ابتکار در جوانان در جهت توسعه تعاونیها و انتقال ارزشها، روحیه تعاون و تعاونگری به نسل بعدی است.

به منظور افزایش مهارت و روح کارآفرینی در جوانان، برنامه‌های تعلیم و تربیتی در اولین سال از اجرای ششمین طرح پنج‌ساله توسعه برای ۱/۶۵۰ جوان، بخصوص مناطق روستایی فعال در بخشهای غیررسمی با سرمایه‌های اندک

به مورد اجرا گذارده شد.

### ۵- نقش زنان در تعاونیها

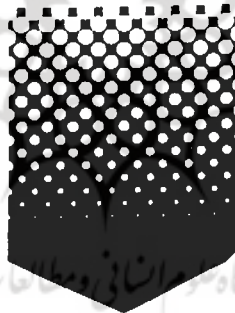
هدف از اجرای این برنامه عبارتست از افزایش مشارکت زنان در توسعه تعاونیها از طریق بالا بردن سطح دانش و مهارت آنان و فراهم نمودن فرصتهای بیشتر برای زنان در مشارکت فعال در تعاونیها.

در اولین سال اجرای ششمین طرح پنج‌ساله توسعه، برنامه آموزش زنان در تعاونیها به مورد اجرا گذارده شد و ۲/۹۵۰ شرکت‌کننده، مشتمل بر تعداد ۱/۴۹۵ نفر مروج تعاونیهای زنان، ۹۱۵ کارمند زن از شرکتهای مختلف و ۵۴۰ خرده فروش زن در بازارهای سنتی مناطق روستایی و شهری در کلیه استانها در این برنامه شرکت نمودند.

### ۶- گسترش مبانی قانون در تعاونیها

یکی دیگر از اهداف این برنامه عبارتست از تأسیس تعاونیها و تبدیل آنها به نهادهای (شخصیتهای) حقوقی و جنبش اقتصادی مردمی که قدرتمند و ماندگار باشند و ریشه در عمق جامعه داشته و در عین حال بتوانند در ایفای تعهدات تجاری نقش‌های عمده‌ای بازی کنند. همزمان با این حرکت، فعالیت‌های انجام شده در اولین سال برنامه پنج‌ساله ششم، مشاورتهای حقوقی و شفافیت جهت افزودن متمم ماده ۲۵ قانون ۱۹۹۲ به شرکتهای تعاونی، جمع‌آوری دستورالعملهای فنی تکمیلی، تجزیه و تحلیل استانداردها و مدارک مختلف که لحاظ قانونمندی جنبش تعاون، به نحوی مرتبط یا حضور تعاونی در بخشهای مختلف آموزشی - تجاری میباشند، را در بر می‌گرفت.

بقیه از صفحه ۲۳



خاص زنان به طوری که مدیریت و اداره این نوع تعاونیها به عهده خود زنان باشد.

۳- ایجاد انگیزه‌های مثبت در زنان برای جلب مشارکت آنان از جمله تخصیص اعتبارات لازم به منظور اعطای وام به آنان که قادر به عرضه مستقیم تولیدات خود به بازار باشند.

۴- بررسی طرحهای خود اشتغالی زنان به منظور ایجاد تعاونیهای مطلوب و موفق.

۵- تشویق زنان به تأسیس تعاونی از طریق ارائه خدمات بیشتر از سوی تعاونیها.

در حقیقت حضور زنان به اندازه‌های قوی

### منابع و مأخذ

۱- کتاب حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران

دکتر پژوهش‌های فرهنگی

۲- مجلات و ماهنامه‌های اقتصادی جهادسازی از ۵ شماره

۳- تاریخ ایران باستان از مشیرالدوله پیرنیا

۴- ماهنامه تعاون شماره ۱۵ و ۵۵ شهریور ۷۱ و فروردین ۷۵

۵- پیک تعاون اداره کل استان فارس

۶- حقوق زن در اسلام شهید مرتضی مطهری

۷- زنی درآینه اسلام و قرآن محمد حجتی کرمانی

۸- زن در اسلام و اروپا حسن صدر